

و ملك مختلفه فراهم فرمایند و نیجات تمام قوامین
امروزی را در آنجا حاضر نموده و ملاحظه فرمایند
هر کدام که رافع اختلاف و مؤسس ائتلاف است ،
بحکمت وجدان در تمام اقطار وطن مقدس تترددند
و هرگاه در میان قوایین رسمی دول چنین ماه
الحيواتی یافت نشد (و نخواهد شد) بتوایین آسانی
رجوع فرمایند و عقول صافیه را بتصدیق بخواهند
هر قانونی را مقدمه نتیجه مطلوبه یافتند (و خواهند
یافت) و نسبت داده نوع اسباب را از حقیض
اختلاف باوج اتحاد و ائتلاف برسانند و بر بیان
ناقص من خورده نگیرند چه که بقدر وسع خود
خدمتی بعالم انسانیت نموده ام

از برادران عالم خود استدعا دارم که هرگاه این
لايحه را لایق دیدند بالسنه مختلفه توجه فرمایند که
تمام التفت به باشد و مزد زحمت خود را از عالم انسانیت
متوقع و مترصد باشند یا هرگاه در معنی وطن اشتباهی
کرده ام علما و فلاسفه ملل رفع شبهه ام را بنمایند
خادم وطن (میرزا سید محمد یوسف زاده همدانی)
حمده السلام یعلوا ولا یعلی علیه

قال (ص) (الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه)
فرموده پیغمبر (ص) ما اسلامیات است و نهایت
اهمیت را داراست و سزاوار است که معنی اسلام
جالب دقت سیاسیون عالم و ترقی خواهان بی آدم
بوده باشد و کمال لیاقت را دارد که موضوع بحث
علما و دانشمندان کل ملل واقع شود تا بدانند که
راه استمالی بر مدارج ترقی و طریق صعود بر
مدارج کمال انسانی کدام است. آنوقت بروشنی آفتاب
خواهند یافت که مشرع اسلام اساس ترقی نوع را
بر پایه نهاده که بالاتر از آن متصور نیست پس
از آن فرموده است (الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه)
و چون فهمیدن حقیقت این شریعت بطور وضوح موقوف
بر تمسید بآدمه است لذا عرض میکنم و از مطالعه
کنندهگان استدعا دارم که ما به الاحتلاف بین المللی
و کنار گذاشته فقط با حکمت فطرت خود که
وجدان ساده طبیعی است تصدیق یا رد نمایند

شک نیست که افراد بشری بحسب خلقت اولیه
منشکرا الهوا و منشئت الآراء میباشند و مادامی که
که چنین باشد ریشه نفاق و دویت دوقلوب آنها

محکم و جز توحش و غفلت نیستند و در اینجا بطریق
یکدیگر و تولید هرج و مرج توجه نخواهند داشت
شاید آنکه در پیشگاه قدس خدای تعالی اعتراض کرد
سکه (انجل فیها من یفسد فیها و یفسك الله ما)
نظرش بهمین جهات اختلاف بشری بود و پس، پس
هرگاه کسی بخواهد هیتورا از وادی غیر ذی فروع
هرج و مرج بسوی جنات عدن ترقی و تمدن
بکشد ناچار باید که مقاصد مختلفه آن هیئت را
هر طور هست مبدل بیکفرص و بیک مقصود بنماید، تا
آب هیئت بطور اجتماع بسوی آن مقصود ساخته
صورت وحدانیه و یگانگی یافته از وادی مهالک
کثرت و یگانگی خلاص شوند و اینطریق تمام انبیا
و حکمای سلف بوده است در نجات قوم خود از
مهالک دنیویه و اخروی

مثلاً فرض کنیم که در قرون سابقه اولیه که
افراد اسان در غارها و دره ها مسکن داشتند و
از برگ درختان و میوه آنها خورش و پوشش
میگرفتند و ابدأ صورت تمدن حالیه بذهن آنها
جلوه نمیکرد و هر کدام دنبال خیال شخصی خود
میرفتند اگر کسی میخواست که اسباب ترقی و تمدن
آنها را فراهم کند لابد بود با آنها بگوید که بیاید خانه
بسازیم که در پناه آن خانه از زحمت سرما و گزند
گرما و بارندگی محفوظ مانیم و نقشه آنخانه را
در صفحه خیال هر يك از آنها بکشند تا باعث
حرکت تمام آنها بشود سکه شروع بساختن خانه
نموده یک مرحله از تمدن را به چابند و ملاحظه
میزمائید که بعد از ساختن خانه فوراً بحکم طبیعت
اولیه آب هیئت وحدانیه بصورت کثرت مبدل
خواهد شد. پس آن شخص اگر بخواهد هیئت وحدانیه
آنها را نگه بدارد و باز ناچار میشود که جهة
جامعه دیگری برای آن افراد مشتته احداث کند
و هكذا و هكذا و هكذا

پس معلوم شد که اتحاد و اتفاق بشری وحدت
فرض و مقصود میخواید و هر چه آن فرض
و مقصود بالاتر از افراض شخصیه باشد دوام و
نیایش بیشتر و بدینوسیله اتحاد و اتفاق بشری بقا
و نیایش افزونتر خواهد بود، و هر قدر اتحاد ادوم
باشد اساس ترقی و تمدن اعلی و اقوم خواهد بود
چه که وجود معلول لازمه بوجود علت است

خبر و اعتراض شخصی، که با ذات-مورث لغت و
 یکتگی است- عالم انسانیت و تمدن و یگانگی که
 اس اساس ترقی و استعلا است اطهر من الشمس و
 امین من الامس است، حالا می بینیم که علماء و سیاسیون
 عالم بعد از تفکرات و اندیشه پیشار جبهه جامعه
 افراد بشری را حب وطن قرار داده اند و خیالات
 پریشان افراد را متوجه باین یک نقطه نموده و
 میخواهند عالم انسانیت را بدینوسیله آباد و سکنه
 آنرا خرم و شاد نمایند و تدریجاً هم بایتمقصد
 عزیز موقی شده اند و خیلی از ممالک وسیع را
 بدرجات عالی رسانیده اند، ولی اگر کسی قدری
 دور بین تر و تیز هوش تر یافت شد و گشت که
 حظ و نصیب من از ایسلام فقط دوره زنده گان
 من است و ایعالی که من بالذات در او میباشم
 بالطبع حادث و متحد است و من اگر بخواهم
 او را بوضع مخصوص نگه داری کنم با جارم که مادام
 تا عمر درسی و کوشش باشم، مثلاً مان بخورم
 برای اینکه زنده بمانم، و زنده باشم برای اینکه
 نان بخورم، یا اگر خیلی خدایم عالی باشد دیگری
 را نان بخورام، و در اینطلب نتیجه که عقل بلند
 پرواز دانایان میخواهد نیست چنانکه فرموده اند
 (هر چه نباید دلبستگی را نشاید) و می بینیم که
 سیاسیون حالیه اگر اصاف بدینند جواب کافی برای
 این معترض ندارند، حالا بیایم به بنیم سکه مشرع
 حقیقت اسلام برای تاسیس اتحاد و اتفاق بشری
 و ترقی نوع انسانی و رفع اینگونه اعتراض چه نقشه
 کشیده اند، وقتیکه انسان در نکات شریعت دقت
 میکند می بیند که شایده اتحاد اسلامیا طوری
 و بیخه که ابدا زوال و فنا نمی پذیرد و بالا تر از
 آن مرتبی متصور نمیشود از این جبهه فرمودند که
 ﴿ الاسلام یلوا و لا یعلی علیه ﴾

مثلاً در زمانیکه این وجود مقدس درمیان
 عرب که آنوقت از طوایف وحشی بشار بودند و
 خبیان مختلفه را پرستش میکردند، و دائماً مشول
 قتل و رذالت و تعدی بحقوق یکدیگر بودند، و این
 مطلب را چنانچه از قاصد آنها بخوبی فهمیده میشود
 اسباب فحش و بیادبیت میدانستند، میبوت شد، نخستین
 کار آنها را پیشش خنودند، بگانه که دین عزیزی
 در آلیس بوجاهت قریش و تصورات عقول بالمره

مزه و میراست دعوت فرمود و با دلایل و بیانات
 واضح و حدایت معبود را در اذهان آنها واضح
 فرمود، ازوادی کثرت برگر وحدتشان کشاید، و
 این خود بزرگترین نکات سیاسی بود و رنجها برد
 تا اذهان فریبه را باین نکته بزرگ آشنا نمود
 وقتیکه زمام دما را بدست قاید واحد غیبی سپرد
 و جبهه جامعه دائمی سرمدی را بای افراد مختلفه
 متکثره نوع انسانی معین فرمود و خدایان حلی
 طامری را از میان برداشت و تا درجه اتحاد
 در میان افراد پیدا شد بنا گذاشت بخدایان
 جعلی اندرونی، که عبارت از اعراض شخصییه و
 هوا های مختلفه انسانی است و فرمود که (بنیت
 لائتم مکارم الاحلاق)

کبر و حسد و کینه و میل و بالآخره تمام
 صلت رذیله را نمی فرمود که یکباراه ماهر و باطن
 افراد را متحد فرموده تمام را در جبهه انوای کالات
 انسانی مستقر فرماید پس از آن کار های شبانه
 روزی مسلمین را مربوط بانجبه جامعه که عرض
 شد فرمود و قصد قربت در غالب حرکات و
 سککات مسلمین شرط فرمود (و ما امروا الا
 لیعبدوا الله مخلصین له الدین) و اگر بعضی از افعال
 قصد قربت بخواهد متوقف سلبه آن افعال است که
 قصد قربت در آنها شرط است و فرمود که اگر
 بدون قصد قربت بجا آورده شود فاسد است و
 مقبول نیست چه که مربوط بانجبه جامعه که عبودیت
 است نیست و هر چه مربوط بانجبه جامعه نباشد
 بالطبع مورث اختلاف و اختلاف علت تامه اختلاف
 امور و اضمحلال قومیت خواهد بود

از جمله قوانینی که برای مسلمین قرار داد
 دو نکته بسیار مهم است که قوام قومیت بسته
 بانجبه جامعه یکی زکوة است که عشر اموال را با
 شرایط مخصوصه مخصوص فقرا فرمود که بچاره گان
 و درمانده گان قوم باینوسیله سروسامانی یافته سازد
 برکی ساز کرده مزید قوت و قدرت قوم باشند
 دیگری جهاد بود که بسبب آت حفظ مقام
 استقلال اسلامی و قومیت شده و دیگران را تحت
 نفوذ خود آورده و بیکانه را اگر آشنا نشد طرد
 و تبعید نمایند، (کار با اختلاف مذاهب در این
 حده جاریست) غرض از زمین کردن حکم و مصالح

جهاد است مثلاً بنا بر یکطرفه و خوب جهاد موقوف بر وجود و حضور امام مفترض الطاعه است و شاید که حکمتش این باشد که امام مفترض الطاعه یعنی کسیکه بعد از پیغمبر اکرم (ص) بوجود نگه‌دار و مقوی آنجهت جامعه باشد، و جز پیغمبری دارای تمام کمالات و علوم پیغمبری باشد

و همچنانکه آنوجود مسعود نگه‌دار سلسله اتحاد و اتفاق بود باشد، چنین وجودی اگر در میان قومی که هنوز باوج کمالات انسانی نرسیده اند نباشد با هست که غرض جهاد آنها مبدل بجهانگیری و غلبه بر سایر طوائف بهوای نفسانی بشود و این غرض علت غثت آنها از جهت جامعه شده آنها را برادری هلاکت اختلاف که ناشی از حب ریاست است بکشد، و در ظاهر نبودن چنان وجود مقدسی در صوت لزوم عوض جهاد دفاع را مقرر فرمود که باین وسیله لطمه باستقلال قومیت وارد یابد

از طرف دیگر چون طبیعت کسایکه با حق آشنائی تامه ندارد یعنی بر سریر کمالات انسانی مستقر شده اند از آنجهت جامعه مابجاً بجهت مختلفه مایلند و مادامیکه تبعیت اینقانون برای آنها ملکه نشده اطاعتشان قسری و حرکت قسری نه دائمی میشود نه اکثری و محتاج بقا سر دائمی می باشند بحری قانون را (که خوف از عذاب اخروی و تعذب خداوندی باشد) در وجود هر یک از افراد جا داد که خیالات هیچ مسلمان هیچوقت خالی از وحشت ارتکاب خلاف قانون نیست و واضح است که این نکته بسیار بزرگ چه قدر جاب دقت و تا چه درجه درسیاست بدن و تربیت نوع اهمیت داشته و دارد، چنانکه اثرش در وجود اعراب دیده شد که تا چه درجه تمدن یافته و نفوذ در تمام عالم تقریباً پیدا کردند

و چون ممکن بود که بعد از آن وجود مقدس بعضی از جهال لنگام از سر بر داشته در وادی خودسری بتازند و این حادثه سرایت کرده دیگرانرا از صراط المستقیم ترقی منحرف سازد کسی را بجانشینی خود معرفی فرمود، که بهی پیغمبری حاوی تمام کمالات صوریه و معنویه از بوده و بوجود نگه‌دار و مقوم آنجهت جامعه باشد، و تمام نکات قوانین

بوده زمام سیاست امور جمهور را بکنیت بار کنایت او نهاده مقرر فرمود که تا دامن قیامت نظام جهام امور بدست چنین کسی باشد، و حکمت اینهم نیز معلوم است که چنین کسی همانطور که مؤسس اتحاد اسلامی اتفاق قومیت را نگه میداشت نگاه خواهد داشت این نیز از نکات بسیار بزرگ سیاست بود این رشته همین طور مقرر است تا غیبت امام زمان ارواحنا فداه که تعلیم و تعلم اینقانون و اگذار بملایم عامل و مجتهدین کامل شد و در ایشان شرط شد که مخالف هوایی شخصی بوده تابع امر مولا یعنی متوجه بانجهت جامعه باشند و الا ایساکت تقلد این امر خطیر را نخواهند داشت

چه که اگر بالعکس پشت بانقصود مقدس نموده بهوای شخصی حرکت کنند بالطبع مورث اختلاف و اختلاف علت تامه اختلال امور و اضحلال جمهور است

و علاوه بر این امر بمعروف و نهی از منکر را بانشرایط آن بر آحاد ملت واجب عینی فرمود که با شرایط مقرره جلوگیری از خلاف قانون بنمایند و مقرر فرمود که شخص آمر بمعروف و ناهی از منکر خودش تارک آن معروف و مرتکب آن منکر نباشد (اما مرون الناس باهر و تنسوت اضمکم) دقت فرمائید که ملتیکه از خود گرفته تا دیگران مأمور تهذیب اخلاق و اجرای قانون خود باشند، و شب و روز در حرکت و سکون مشغول انجام وظیفه خود باشد کی ممکن است که در اساس ترقی و استعلای آنها تزلزلی پیدا شود

حالا از صاحبان وجدان و طرفداران ترقی نوع انسان باصدای بلند سؤال میکنم که آیا مانند این نکات در عالم سیاست و تمدن دیده و یاشنیده اید؟ یا نقشه برای ترقی قومیت زیبا تر از این که عرض شد کشیده اند؟ آیا سزاوار نیست که تمام ملل و سایل ترقی را منحصر بدین شریعت مطهره بدانند و تمام طالبان را بدین بهشت جاودانی بخوانند؟ تمام طالبان بدانند که فقط ط مسلمانان این امتیاز را داریم که همیشه بواسطه اسلام مقبوع بوده و تابع طریقه دیگران نخواهیم شد (که الاسلام یملوا ولا یمل علیهم) و نیز لازم است که این نکته هم حقیقی نماید که فرمود (الاسلام یملوا) و تحرمون

المسلمين يملونه به كه ميدانست مسلمانان آخوور كه جيليد اين اساس مقدس را كه علمای زمان ما از ادراك تمام حاكم و مصالح عاجزند نگهداری نخواهند كرد و بحال حاليه خواهند افتاد

حالا بر ما مسلمانان واجب است كه چشم ما قبت بر خود را باز کرده بنظر انصاف نگاه کرده به بنيم سكه برای ما چه راهی بسوی درجات ترقی دنیوی و اخروی باز کرده اند، و برعكس ما ها فقط بملت بدبخت راهی را پیش گرفته كه بدركات هتقی و ذلت میرساند

این دوراه کدام است؟ راه اول اتحاد اسلامی است كه قدر آن بر اذهان جبهه ما مخفی مانده كه باندك سی و اهتمام علمای عامل ما در رفع ما به الاختلاف بقانون علمی رفع و دفع خواهد شد. و بدبختانه تا حال اقدامی در اینخصوص نفرموده اند راه دوم تقای است سكه فقط بواسطه برخی موهومات كه بر اذهان جبهه ما مستولی شده اساس غلبه و استعلائی ما را بر باد داده. بستن راه دوم و كشودن راه اول بسته با اقدامات علمای اعلام و تذكر افراد اهل اسلام است. كه آیا ملتیکه خدایشان یکی و کتابشان یکی و قبله شان یکی و پیغمبرشان یکیست. و بالاخره در اصول تدین یکی میباشد، چه جبهه دارد كه دسته دسته شده بعضی شان بواسطه برخی موهومات از بعضی دیگر جدایی و بیگانهگی نموده و خود را بدینواسطه دستخوش اجاب ساخته اند؟ آیا دولت اسلامی نبود سكه از هیبتش پشت سلاطین روی زمین می لرزید؟ آیا اکنون اگر جماعت مسلمین متذکر عهد قدیم شده ترك جنا نموده حامان اتحاد اسلامی را بگیرند در درجه اول اقتدار نخواهند بود؟

(بیا كه نوبت صلحت و دوستی و عنایت)

(بشرط آنكه نگوئیم از آنچه رفت شكایت)

بوجدان باك سوگند الآن كه در همدان این لایحه را می نویسم، خونم بیاد برادران هندی و بخارا و مراکتی ما بجوش می آید، عزیزان من ای امت مرحومه (كنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر) چه شده است ما را با اینکه اگر متحد باشیم، متفق باشیم، اسلام و مسلمین را باطل درجه عزت خواهیم و سلبید، كه با همدیگر

بیکاه شده گرد تقای انگیزته و رشته اتحاد خود را گسیخته، میدان بدشمنان سپرده منتظر ایستاده ایم كه کی قسمت بزرگی از مسلمانان مانند سایر اقسام آنها طعمه طمع كذا خواهد شد.

چه قدر سزاوار است كه مسلمانان متفرق در اقطار عالم هر مایفه دانشمندی را كه به بغرضی و خیر خواهی معروف باشد انتخاب نموده متفقاً در نقطه اجتماع نموده رفع اختلافات موهومه را نموده عهد اتمامی و اتحاد اسلامی را به بندند.

عقیده بنده آنست كه این مطلب بتدریج منتج اتمامی و اتحاد نوع انسانی خواهد شد، و این امتیاز را باز مسلمین دارا خواهند بود امیدوارم كه حضرت آیات توجه مخصوص در این ماده مهمه كه موجب سعادت و ترقی اسلام و اسلامیان است فرمایند، و این تقای جانسوز را از میان مسلمانان بر دارند (طرفدار اتحاد اسلامیان)

میرزا سید محمد یوسف زاده همدانی

قابل توجه و كلالی عظام

(و مصادر امور)

خاطر مبارك اولیای امور و وكلائی عظام ملت دام تائیداتهم را معطوف میدارد، پس از آنچه جن بازی علمداران عالم بشریت و ریختن خونهای باك در راه این مقصود مقدس و وقوع انواع مصائب عظیمه بر این ملت بفضل الله و بحسن اقدامات مجیر العقول قهرمانان میدان مدنیت و یك تازا عالم انسانیت فقدان مانع و عمران كعبه آمال خود را نائل شدیم. حاجت بشرح بیانش نیست، حالت امروزه مملكت ما بر فرد فرد ملت واضح و آشكار است كه در زمان میشومه استبداد و آن قیامت كبری بجه فلاك و ذلت و امروزه در چه نشاء زندگانی داریم. كسی این مصامه داند كه طم ظلم جشیده است، و ببارتی ساده عرایض خود را به پیشگاه و مقام منبع حامیان ملت ممرض میدارد، امروزه وكلاء محترم و وزراء عظام ما نمیخواهند مملكت مملوم الحالی را از عدم بوجود و این كشتی شكسته را از وسط دو گرداب موحتس به ساحل نجات برسانند. روح عالم انسانی را از خود شاد و ارواح مقدسه شهداء وطن را مشعوف و مسرور دارند، و ضمناً قدرت تقای و كفایت ذاتی خود را مشهود نظر سیاسیون عالم فرمایند.

باندک غور و تعمق در کتبه مطلب که چه امری را پیشنهاد نموده اند و خالق این مخلوق جلت قدرته چه بزرگ امتحانی را در پیش پای این ذوات محترم گذارده اگر از این امتحان عظیم کامیاب شدند چه علو مقامی است که تصور عقل از اعتلائش قاصر است، مدیر دایره یک مملکت شدن شوخی نیست، تحصیل مقام زحمتی ندارد، نگاهداشتن وادای وظیفه کار بزرگ است، برایشان است که اول موجبات و لوازم پیشرفت اساس مقدس را فراهم نمایند و شروع بکار کنند.

واضح است که اهم امور امروزه و انتظام مملکت منوط به تشکیل و تنظیم وزارتخانه ها است از روی قواعد علمیه سایر دول که آنها موقوف بوجود مستشارهای خارجی است که در آن بحث و مذاکره زیاد شده است، بعد از آن تأسیس و ترتیب دوایر جزء در تمام نقاط ایران است از روی دساتین قانون امروزه چیزی که بیشتر بحاجت این ملت مزید است اداره عدایه است که در واقع کارخانه تصدیه اخلاق و عادات ملت است باین لحاظ که اکثر و اغلب عاق این مردم بواسطه دعاوی و آلودگی ناپیکدیگر است بعد از آنکه قطع دعوا و قلع ماده نزاع شد همان خون گرمی ایرانی است اسلامیت عود خواهد نمود، قوام و بسام این اساس مقدس بسته بمصرف پول است که امروزه برهان قاطع و حلال مشکلات جاس بشر است. تا امروزه که نتیجه محسوس نظام نشده بواسطه عدم این قوه بوده است، باین قوه باید تشکیل اردو و قشون منظم نظامی داد که سرآمد جمیع انتظامات ایران است، با عدم این دو قوه نیل بمقصود از جمله محالات است، علت اهل تعطیل و تمویق امور این است که حکام ولایات را با چند نفر اجزا بدون تعیین حقوق و استعداد منظم نظامی بولایات میفرستند و مکرر تاکید نظم و تشکیل ادارات جدید میفرمایند. حکام هر قدر دارای تدابیر عالیه هم باشند نمی توانند مملکتی را که سالیها بی لجام آب خورده اند و شرارت طبیعت نانوی آنها شده بدون استعداد پولی و لشکری اجرای امور نمایند از جنس خود هم نباید متوقع خرق عادت باشیم و معجزه از آنها بخواهیم

امروزه حزبیکان که این مملکت را سرحد دو دولت و دروازه جنوب است استعمال آن منحصراً بیکصد سوار بختیاری است که خود حضرت وزارت داخله از خود سری ایشان بخوبی مستحضرند همه تصدیق دارند که شجاعت و رشادت بختیاری مشهور ایلات است لیکن سالت دیگر دارند که منافی فرمان برداری است، دیگر اینکه بدین است فرقه متوحشه هیچوقت از جنس خود و یا محشور و مانع خود نمی ترسند، همان ده نفر سرباز برهنه دمام را زیاد از صد سوار اهمیت میدهند، دیگر اجزاء این حکام که برای تحصیل مصاشیح و رخ سفر را منحول و یکی دو ما را بقتصد و سندن بجه امید خدمت نمایند، اجزائی که برای تشکیل ادارات جدید لازم است حقوق می خواهند

توضیحاً عرض نمایم بهترین ایرانی میداد شدت فقر و فاقه نصای ایران را بر کرده و بر ما ها یوم القیامه شده است، ثروت و بضاعت ایران را دو سبیل بیان کن جنوباً و شمالاً معماری مستی از سطح ایران بخارج، سیلان داده جزء اعظم آن که عبارت از مایات و سببی دوات باشد هنوز طهران رسیده سلامتی ندیده رام عشق آباد را بش میگردت و یا یا برهنه از رود ارس میگذشت و مابقی هم که ما حاصل ملت بود صرف موبل و اتانیه متاع خارجه میشد و نیز به بهای لباس و قند جاهی میرفت، البته اجزاء ادارات و اجزاء حکام هم از همین فقرای ملت هستند اگرچه خدمت افتخاری بملت روز عظیم و موجب همه گونه شرافت است اما سد اعمال طبیعی را نمیتوان نمود، شخصی بهر پایه و پایه مشروطه طلب و وطنخواه هم باشد تا لوازم امور طبیعت را تهیه نکند نمی تواند در سلك ذوقیات و فکریات خود قدم زند، معدودی هم که بحکم شد و بدر دارای مال بخواهیلدی آلی و نشاء دینی خدمت بملت هستند تا خط معاشی خود را بجائی نرسانند نمیتوانند اقدام بکار نمایند، فرضاً بر حسب اظهارات اکیده مرکز تشکیل ادارات جدید را هم بدهند اجزاء با این مکنت و ایصال که مورد اختلال فوری فکریه است چه خدمت از آنها ساخته میشود، خدمت افتخاری بملت را کسانی میتوانند که دارای بضاعت، سنگت و باوچ، عزت ارتقا یافته باشند.

امیدواریم. اولیای امور توجه کامل بطرفه عربستان
مطوفه و بزودی قشون منظم نظامی برای این صحنه
بفرستند. و حقوق برای اجزاء و حکام و عدایه و
نظمیّه و امنیه و و معین فرمایند و کار از آنها
بخوانند که کاریکسال بکاه پیش میرود، وجدانم گواه
است که وظیفه نوع برست و مدنتم مجبور بخربر این
لایحه نمود. در غالب جراید نطق های منصل از
وکلاء عظام دیده میشود بطور حتم این عبارت بقوه
فکر و تضییع وقت مربوط و تمکین میشود. خوب
است این افکار عالیها را صرف استحصال لغات متین
و مشدد فرمایند (بقول ملای روم)

(گروود افطت کج و معنیت راست)

(آن کجی لظ مطلوب خداست)

قتاعت فرمایند اگر صلحت بدانند امر باریاب
جرايد شود که ققط رأی هر يك و عین مقصود او را
بنویسند و درج نماید نعی تقریر. در این امر منافی
چندانست، یکی اینکه این قفاده وهم ازگردن جعی
بوداشته میشود و فکر عبارت سازی نمی افتند، دیگر
صرف قوای فکریه را در تحصیل منافع عمومی
خواهند فرمود و تولید قوای عام المذمه خواهد شد
(امما حسن بهای)

و دایع نگار ما از اصفهان می نویسد
در این چند روزه یکی دو موقع ما بین انجمن
ولایتی و اداره ولایتی مناقشه و مناظره اتفاق افتاد
و استتار آن بهتر از افشای آنست، و امید است
پس از آنکه وکلاء محترم و وظائف حقه خود را
فصب عین فرمودند، در هیچ رتبه و مقام مورد
ایراد واقع نشده و همیشه در هر مناقشه و مناظره
فاتح و مطر باشند، مسلم است در ایام قیام اداره
ولایتی هم از وظائف مقرر خود تخلی و تجاوز
نخواهد کرد و در شقی و تجارزات را کنار خواهد
گذاشت.

سردار اشجع چندی حکومت رسمی ایشان
مجلس نبود در این اوان تلگرافات عدیده در رسمیت
حکومتشان رسیده است و در مقام انتظام امور هستند،
سردار ظفر هم يك هفته است بطهران احضار
شده یکی دو نفر مقصر هم همراه خود بطهران
برده اند

در چندی قبل منظر نوبت بانک شاهنشاهی را که

دارای مهر نبود در بین شیراز و اصفهان بسرقت
بردند در این روزها باهتانات اداره نظمیّه نوتهای
مسروقه پیدا شده و مرتکب آن عمل غریب خان
که از کاشتگان قدیمی ظل السلطان است بوده، او را
یکی دو روز در عمارت حکومتی توقیف نموده
هشت هزار تومان از آن نوتها را گرفته و تسلیم
بانک می نمایند، نمیدانم بچه ملاحظه او را رها
کردند، او هم چندروز است شبانه فرار کرده است
يك وقتی همین غریب خان نایب الحکومه اصفهان،
زمانی رئیس انجمن، مدتی حاکم قشقه بود حالا دزد
تشخصی بیرون آمده

ادارات از بی بولی در نهایت تنگی وسق است،
مأموری از طرف وزارت مالیه برای تصدیق و
تسویه تفاوت تسعیر سنوات ماضیه از طهران اعزام
شده. در این چند روزه اخبار مهمی روی
داده و آن طغیان و حرکت غریب خان است،
عرض شد که غریب خان مذکور بواسطه کشف دزدی
خود فرار را بهتر دانست و رفت قشقه و جعی اشرار
این قصبه هم که با او سرودگری داشتند دور خود
جمع نموده و در این وقت جناب بهادر السلطنه که از
خوانین بختیاری است حاکم قشقه میباشد. و جناب
احمد قایمخان سرمنگ هم برای حکومت (برقوه)
وسرکوی اشرار آن صوب در قشقه بوده. غریب خان
با اشرار به ترتیبی به محل حکومت ریخته شخص
حاکم را با مناجاش گرفته دستگیر می نمایند و زحمت
و صدمه میزند دروازهها را خاکریز و سنگر بندی
کرده و بقاعده بانگی میشوند. پس از وصول خبر
باشتهان و طهران از وزارت داخله و سردار ظفر
و حکومت اصفهان با کمال حد اقدام در فرستادن
قشون و سوار بختیاری و سرکوبی غریب خان شده
یا بعد نفر سر باز جلالی و دو توب از اصفهان و
سه هزار سوار بختیاری از چهار محل برای قشقه
و گرفتن غریب خان حرکت کرده اند، و حالیه
اردوی دولت در دماقیان نزدیکی قشقه رسیده هنوز
خبر جنگ نرسیده است. معروف است خود غریب
خان بقعه دیگر فرار کرده و محبوسین را هم
همراه بردی است، در هر حال غریب خان تسلیمت
نمیتواند ولی باعلی بلوک خیل صدمه وارد خواهد
آمد بواسطه بی احتیاطی حکومت قشقه که از

بختیاری است وارد شده عموم بختیاری به میجان آمده اند .

بندر عباس

امیدواری سوی ترقی ایران یا احکامات به بدیهی است از بخاره تلگراف کیسیون استقراض داخلی در تبریز و تلگراف حضرت اشرف وزیر داخله خاطر عالی مستحضر است و شاید سواد تلگراف رسیده باشد . بورود تلگراف بهیاسی تاریخ (۵) ربیع الثانی جناب حکمران در دارالحکومه ترتیب مجلس داده اهالی را دوت نمود ، پس از حضور اهالی و قرائت دو تلگراف مذاکره استقراض بیان آمده تجار و اعیان و االی هر کدام باندازه وسع وقوه خود اظهار قبول و همراهی نموده ثبت اساسی را نوشته و هر کس باندازه همت خود مبلغی معین نموده که پس از قرار داد و تأمینات کامله بر حسب تلگراف کیسیون استقراض داخلی هر قسم امر شود برداخته باشند ، انشاءالله پس از انجام صورت ایفاء خواهد شد ، فعلاً بیست هزار تومان گزنی معین شده و شاید در وقت اداء وجه علاوه هم بشود ، امید که سایر اهالی وطن عزیز هم تاسی نموده و اقدام در این کار خیر کرده دولت علیه و ملت ایران را از ننگ قرض استقلال ویران کن خارجه نجات داده باشند .

تجیر معادن جزایر بندر عباس

معادن جزایر که در اجاره معین التجار بوده از اجاره ایشان خارج نموده اند ، اوایل شهر ع ۲ از طرف وزارت مایه امر بمدر کمرک در توقیف معادن گل گلک سرخ (هرمز) شده فوراً از طرف مدیر کمرک هم (مسبوخان با ترو لندی) نایب مدیر روانه جزیره (هرمز) گردیده معدن را توقیف و آنچه موجودی گل قرمز بود نیز ضبط نموده ترتیب کار عمه جات معدن داده بر مواجیشان افزود که با طیب خاطر مشغول خدمت باشند ، از قرار مسموع دولت علیه هشت هزار تن گلک به کپانی اسکلیسی از قرار هر یک تن سه لیرا و پنج شلنگ تحویل غراب فروخته است ، و غراب نیز در شهر جزیری وارد شده که برود حل نماید ، فعلاً (۱۵۰۰) تن حل میشود و مابقی مقدیراً تحویل خواهند داد

چنان چه معدن مذکور اجاره باشد امید است دو عرض دو سه سنه مدخول این يك معدن به چهار صد هزار تومان برسد ، سایر معادن جزایر هم بجای خود باقی است ، هرگاه از جانب اولیای امور يك نفر عالم معدن شناس کامل روانه عباسی نمایند در جزایر و توابع بندر عباس کشف معادن متعدد خواهد شد ، لازمه اولیای امور جهت راه انداختن معادن روانه نمودن يك نفر عالم کامل است که این از کشف و تحقیق چه بشود اجاره به نجات و اهالی مملکت بدهند و چه خود دوات اداره نماید مدخول کای عاید خواهد شد .

(واقعه غیر مترقبه بندر عباس)

مشعل و اخوان کپانی از یهودی مسلی بغداد مقیم (منچستر) چندی است در ایران تجارت خانه باز نموده اقله انگلیسی وارد می نماید ، از دو سنه قبل نیز در عباسی تجارت خانه دایر نموده و شاوول نام از اقوام خودشان را در عباسی جهت تجارت برقرار داشتند ، مشارالیه يك نفر منشی مسلمان و يك نفر نوکر داشت که این ها يك ساعت بعد طلوع آفتاب می رفتند آفتاب و بی ساعت بفریب ماده خارج می شدند و خود شاوول شب ها تنها در آفتاب توقف داشت ، یوم ۶ ع ۲ نوکر مشارالیه بطریق معهود میباید دروازه تختالی بسته و باز نشده ، هرچه دقالباب میکند جوابی نمیرسد در این حال منشی میرسد ، هرچه صدا میزند ودقالباب می کنند اثری نمیشود ، از آفتاب دیگر که مقابل آن بوده نگاه مینمایند که مشارالیه بوضع بدی خوابیده خبر بحکومت و کار گذاری دادند نایب الحکومه و کار گذار و منشی قونسلگری انگلیس حاضر شده آدم فرستادند بالا و پائین آمده دروازه را باز نموده رفتند بالا مشاهده مینمایند مرده ، فوراً دوکتر خواستند پس از رسیدن دوکتر و بر داشتن چند طاقه غالی که روی سر و کمر آن بوده ملاحظه مینمایند طنابی نیز در گردن آن میباشد و آثار ضرب هم دارد و پاره لقه در دهن آن میباشد یقین برکشتن نموده اند و کسانی که حاضر بودند میگویند از قراین معلوم است که آدم از پشت بام خانه بالا آمده و او را کشته اند عجب اینکه هیچ چیز هم بسرقت نرفته و اتوری از مزدی بسته استباب حیرت شده در عباسی

شخصی، یاد می دهیم تا کنون اینگونه واقعه رخ نداده است حکومت در صدد تفحص قاتل و مرتکب میباشد تا بعد چه شود

قابل توجه مجلس مقدمین ما سیدالله ارکانه
شبه نیست که توجه ملت در همراهی بدولت بهترین اسباب امیدواری و نیکوترین نوید به حسن استقبال ایران است - چیزیکه مایه تشویش و موثر خوف هواداران وطن عزیز میباشد این است که يك ملت بولی ملت بدهد ولی بواسطه عدم انتظام و (کنترول) صحیح مانند بولهای که مردم برای بنک ملی و غیره دادند از میان برود، آنوقت نه اعتباری دیگر از دولت نزد ملت باقی ماند و نه رفع احتیاج دولت شده باشد و باز خواه مخواه دولت مجبور شود که بعد از رد شروط روس و انگلیس مجدداً دست استقراض نزد آنها دراز نماید، حار است که در آن صورت شرایطی سخت تر ازین پیشهاد نموده و دولت هم مجبور به قبول شده و تومار حسابات استقلال ایران را حاقه خواهند داد، به حقیقه سگارنده هرگاه مواد ذیل یا قریب به آن در بن استقراض داخلی مراعات شود قرین به صواب خواهد بود

(۱) خزانه مخصوصی تأسیس و جمیع وجوه استقراضی تحویل آن خزانه شود

(۲) مدیر آن اداره يك نفر از اهالی خارجه باشد که عامل و عالم و امین و از علم صرافیه و اداره گردانی کاملاً واقف باشد. مثل یکی از مدیران بنک های معتبر فرنگستان

(۳) چند نفر از اشخاصی امین بی غرض بی طمع وطن خواه ناظر بر آن خزانه شده مسئولست باشند
(۴) این اداره بکلی از حوزه اختیار وزراء خارج باشد

(۵) هیچ يك از وزراء به هیچ عنوان حق برداشتن پول یا حواله دادن به این خزانه نداشته باشد الا به حکم قانونی مجلس شورای ملی

(۶) آنچه وزراء ازین پول برداشته یا حواله دهند باید حواله کتبی و بامضای مجلس و همه دو نفر وزیر مسئول باشد

(۷) وجه این استقراض تماماً به هیچ مصرفی

نرسد جز مصرف تجویز يك عده سوار و سرباز از برای حفظ طرق و شوارع و امنیت بلدان
(۸) چند نفر اشخاص امین کافی برای نظارت معین شوند که هر حواله بر آت خزینه شود مواظبت نموده که بمصرف خودش برسد

هرگاه دارالشورای ملی قریب به این اصول را برای حفظ وجوه قرضه داخله فراهم آورد - به حدی اعتماد دولت نزد خارجه و داخله فراهم خواهد آمد که فاصله يك سال میلیون ها پول بوسه ائیل مختلفه وارد مملکت ما خواهد شد. و بر عکس هرگاه بولی جمع شود و مانند بونمای سابقه از میان برود استقلال ما هم از میان خواهد رفت

(محمد حسین دهمدشتی)

حبل المتین

جناب مستطاب آقا محمد حسین تاجر دهمدشتی
مقیم بمبئی چشم و چراغ دودمان مرحوم حاج امین التاجر شیرازی و نمره اول تجار ایرانی مقیمین هند و درجه اعتبار و اعتماد و دیانتشان در تجار داخله و خارجه ایران مستحق از تعریف و توصیف است از طریق نوع خواهی و وطن پرستی این لایحه را باداره فرستاده اند برای جلب توجه اولیای دولت و امنای ملت - و علت افشای امضای این ان این است که جناب آقا محمد حسین صاحب تاجر دهمدشتی علاوه بر مقام بیع تجارت اول شخص با کله و سیاست در تمام تجار ایرانی هند و صاحب افکار عالی ورأی سلیم و سلیقه مستقیم است، حرارتی در وطن خواهی دارد که تالی آن را کم تر دیده ایم، از مزایای ایشان حق جوئی و حقیقت بوئی است. دعاوی کاذبه و شهرهای بی حقیقت را دشمن میدارند و هماره در تعقیب نتیجه و صحت عمل اند، خدماتیکه در دوره استبداد صغیر بشروخیت و وطن محبوب خویش نموده خیلی ذقیمت بوده و اداره حبل المتین را پیش از آنچه به تصور آید تأییدات فکری داده و دارای عقلی سلیم و قلمی پر قوت و شیرین است لطف این است که به همان درجه که در فارسی دارای کمال و قوت قلم میباشد در انگلیسیم بد طولاً دارند، و این دال است بر اینکه درجات تعلیم و تربیت را در مدارس به ترتیب صحیح طی نموده از اوضاع عالم واقف و بر اوضاع زمان و مقتضیات وقت مطلع

و از بیچیدن در الفاظ طاری و بری میباشد
 غرض از این معرفی چند نکته است اول ادای
 وظیفه قدر شناسی این اداره ملی، دوم جلب توجه
 اوایلای دولت و امنای ملت با برانیات که بمحافظه
 مردمان کالی وطن خواه که مدرد امروزه ایران
 دوا توانند شد در هر نقطه موجود اند، سوم
 چون تا کنون ایرانیات قول را بقائل اعتبار
 میدهند و این لایحه اشد ضرورت و کمال اهمیت را
 داشت خواستیم بقائش اعتبار این قول را بیفزاییم.
 چهارم خواستیم عقائد تجار در خصوص این
 استقراض معلوم شود

جی شبه نیست که دولت ایران از این و بعد
 خیلی محتاج با استقراض داخلی است علاوه بر منافع
 عدیده استقراض داخلی خیلی سبب همدردی ملت
 در حفظ استقلال دولت تواند گردید، پیش از جمیع
 طبقات تجار محترم همه در استقراض داخلی باید
 بگیرند، بدبختانه کوائف سابقه و خیانت کاریهای لایحه
 (مانند بلع نمودن مفتاح السلطه سیزده هزار تومان
 مال ملت را بدون هیچگونه خدمت) باندازه دوات
 را نزد داخله و خارجه بی اعتبار ساخته که ما فوق
 آن متصور نیست و امروز که ملت با این شوق قلبی
 برای حفظ وطن خود در دادن قرض بدولت حاضر
 شده هرگاه اساس را نوعی نگذارند که مزید اعتبار
 دولت نزد ملت گردد، و خدای مخواستہ یک شاهی
 از این وجوه حیف و میل شود، باید فاتحه اعتبار
 دوات را خواند

دولت امروز خیلی محتاج به همراهی ملت است
 دوت باید باعتبار دادن به ملت قروض خارجه را
 تبدیل به قرض داخله نماید و ملت باید با اقدامات
 دوت اعتماد حاصل نموده تا ب سرمایه خویش بنک ملی
 که جسم استقلال ایران را روح روان است دائر
 نماید، ملت باید با کمال اطمینان سرمایه خود را در
 راههای آمن و کشف معادن و غیره بپردازد، مقدمه
 تمام اینها همین جزئی استقراض است و آنها منوط
 با اساس محکم و اصول اعتبار افزا است، نمیتوان ملت
 را ملامت کرد چه هنوز با یک هیئت صادقانه
 تصادف نه نموده در صورتیکه تجار هند با هزاران
 حسن ملاحظه میکنند که معاوضت وزارت خارجه
 در پیشگاه مجلس مقدس باین جلالت حمایت باطل

از یک مامور وظیفه ناشناس نموده و با متبایه
 جبارت چندین دروغ شفاهی گفته و سیزده هزار
 تومان مال ملت را هبا و هدر میخورد، چه گونه
 اعتبار بدولت نمایند که رجال مسئول اینگونه مردمان
 حقوق نا شناس باشند تمام خرابیها از دستگاه
 دولت بوده و ملت قصوری ندارد، بازم باید بمنون
 ملت بود که با این همه خیانت کاریهای سابقه و لایحه
 بازم در هرندای دولت خود را بجایه حاضر می سازد
 هرگاه مجلس مقدس ملی در استقراض داخلی
 اساسی که بتوان بر آن اعتماد نمود بگذارد فقط
 تجار خارجه ایران اعم از مسلمان و زردشتی و
 ارمنی و یهودی چندین برابر آنچه را دولت خواستگار
 است تقدیم خواهند کرد، نه اینکه در خواستن
 اعتماد قابل ملامت نمی باشند بلکه ازین یاد دهانی
 کمال خیر خواهی را در حق دولت و وطن خود
 کرده اند

چون ما میدایم دارالشورای ملی بهتر و بیشتر
 از ما ملتنت این نکات دقیقه هست ولی ما واست
 که باز هم از خیالات عمومی تجار خارجه ایشان را
 مطلع سازیم، حالا منتظریم که دیده شود قرار داد
 مجلس در این استقراض چیست و بجه اصول کسب
 اعتبار در نزد ملت برای دولت خواهند نمود؛ چه
 این استقراض مقدمه استقراضهای بزرگ بلکه شالوده
 بنک ملی و صد ها کپانی ها و تعمیرات راه هالیه
 آهن و و و میباشد، خیلی باید در همین اساس دقت
 شود. این نکته را هم نا گفته نمیگذاریم که تا
 دولت اعتبار در داخله حاصل نه نماید در خارجه
 نتواند نمود

بازی بلیتیک

واقعات تازه ایران بلیتیک بازی را برای
 ناآشنایان سیاست مجسم می سازد، مثلاً چندی قبل
 مخبر روتر از پترسبرگ تلگرافی اشاعت داد که ما
 در ذیل آن تردید آن را با عدم اطلاع نگاشتیم
 روز نامه شریفه مجلس مفضلاً بموجب ذیل تردید
 می نماید

نقل از روزنامه شریفه مجلس

(تکذیب)

امروز در جزء تلگرافات شرکت روتریک
 خبر عجیبی را تصادف کردیم که بی اندازه اسباب

حیث و تعجب ما گردیده در يك سطر عبارت
تکلیف سپهسالار که در هر سببی زهری، پنهان است
تا ما گردیم و داعیه وطن پرستی ما را مجبور به
تکلیف آن نمود

اصل خبر این است (بنابر خبر تلگرافی تبریز
از پترزبورگ) بعضی از اعزّه ایرانی قرار گذاشته اند
که بازارها به بندند و بدین وسیله قشون روس را
از آذوقه محروم کرده آنها را مجبور بسزیمت نمایند
و ما قبل از آنکه بطلافت و عدم صحت این خبر
را از روی دلیل و برهان ثابت کنیم اول مقاصد
مکتوبه را که در طریق تلگراف مکتوم است
توضیح کرده بعد بتزیدش می پردازیم،

اولاً خواسته است ناامنی تبریز و مخاطره قشون روس را
و متناً درجه عداوت ملت تبریز را با آنها ثابت
کند، و نایباً اثبات کند که روسها بطلاوت خطر جان از بابت
مماش و خوراک هم در سختی واقع خواهند شد،
و اهالی تبریز آذوقه را از آنها باز گرفته عسرت
و تنگی بدانها خواهند داد، نایباً نسبت این کار را
باعزّه ایرانی می دهد تا نگویند این خبر بر عرض
صحت هم ناشی از جهل و مردمان بی سرو پا شده و
اهمیتی ندارد، اما وقتیکه باعزّه و اشراف نسبت دارد
حتماً درجه اهمیت کار را می رساند، و ابناً می خواهد
حاضر نشان کند که تبریزیان در عرض آنکه قشون
روس برای آنها آذوقه آوردند و از قحطی
نجاتشان دادند امروز ایها آذوقه را بروی روسها
بسته و پاداش نیکی را بدی میدهند، و در این موضوع
پناه بدست طرف داده که برای بعضی اقدامات
مخوف در پیش روی دنیای منمدن عذری داشته باشد
و مخصوصاً بستن بازار را امم برده و تصریح کرده
که جالب دقت باشد و غیظ و غضب عمومی را
ثابت کند

بلی این است شمه از اغراض پلنتیکی که همواره
ما از آن ترسیده و در هر موقع تذکار میکنیم، اما
بدو فساد این تلگراف با اینکه روشن و واضح
است، باز برای آنکه اذهان ساده لوحان مشوب
نشود چند دلیل محکم اقامه می کنیم که جای شبهه
و تردید باقی نماند، اول آنکه چرا این تلگراف
اینکه به پترزبورگ مخابره شده و بجهت دلیل فقط
شرکت تلگرافی روسهاست و این چنین واقع شده و

حال آنکه مادماً اخبار صحیحه اول بلندن مخابره
میشود و از لندن بسیار نقاط منتشر میگردد، حالت
شرکت تلگرافی روسیه معلوم و محتاج بیان نیست
بحدیکه در داخله روسیه محل اطمینان و وثوق
نیست، نایباً آنکه اگر چنین تضییع باشد اول
تلگرافی ایرانی مسبوق شده و به طهران خبر
میدهد و ایالت آذربایجان بوزارت داخله تلگراف
میکند و حال آنکه چنین خبری نه بتلگرافخانه
و نه بوزارت داخله رسیده و در دوائر دولتی
هیچ چنین مذاکره نیست، نایباً اینکه تاریخ این
تلگراف ۹ مارس است و البته از زمانیکه از
تبریز به پترزبورگ مخابره شده و از آن جا بلندن
و از لندن بایران هم البته پنج شش روز طول
کشیده و یقیناً از وقتیکه این جمع منقد شده
و چنین قراری داده تا وقتی که شرکت تلگرافات
مسبوق شود يك روز یا زیاد تر فاصله داود علی
هذا از بدو حادثه تاکنون فریب ۲۰ روز طول
می کشد و هرگاه این خبر صدق باشد بایستی در
این طول مدت فعلیت یافته باشد و هیچ طاقی
بلکه دیوانه قبول نمی کند که چنین واقعه بزرگی
در شهری مثل تبریز واقع شود و در طهران نه
کابینه وزراء مسبوق شود و نه تلگراف خانه و نه
پارلمان و نه سنرا مقیم طهران، و ابناً بستن بازارها
چه افاقه می بخشد، قشونیکه در يك نقطه مجتمع و در
تحت يك اداره هستند و بول هم بتدر لازم از برای
آن ما چه بتوسط رئیس خودشان یا قونسول
روس یا بانک فراهم می شود فوراً عده را باطراف
فرستاده آذوقه تحصیل مینمایند، بلی بستن بازار اسباب
تنگی و عسرت زنان بیوه و اطفال یتیم خود و
تبریزیان می شود و ممکن نیست اهالی آذربایجان
چنین حرکت غیر منتهجه را پیش نهاد کنند، خامساً
نمیدانیم مراد از اعزّه کیست و آن جمع کدام است؟
اگر انجمن ایالتی و اعضاء آن انجمن است که بدون
اطلاع وکلای مرکزی خود و بدون مشاوره با وزراء
و استیذان پارلمان هرگز اقدام جزئی امری نموده
اند، فرضاً که اقدام کرده باشند چرا در تلگراف
تصریح نشده که انجمن ایالتی چنین قراری داده، و
اگر جمع مزبور از انجمن ایالتی نیست چه مضاعفت
دارد و منشأ چه امری می شود، سادماً تبریز شهری

است بزرگ که چندین کشتل هوک متحابه در آن جا
اقامت دارند چرا همیشه چنین خبری را به نارت
مرکز می و بدوات متبوعه خودشان اطلاع نداده
اند. حاصل آن که ما بعداً و قویاً این خبر را تکذیب
می‌نمایم و ابدأ آن را صحیح نمی‌دانیم

ایک جهان اصول پلنتیک مارپایک دارد تلگراف
دین را اشاعت میدهد

تلگراف روتر

(۱۵ ربيع الثانی - ۲۶ اپریل)

بوجب خبری که به پرسبرگ رسیده
حالت صوفی ارومیه بسیار حرفه‌ناک است باینکه گمان
و ایران در امنیت مال و جان بصارای آن سامان
ساعی می‌باشد و کردهای آن اصراف بر بصارای
آن نواح ادا طرح می‌باید چنانچه بر آنها تاخته
و زناشان را برده حراً مساهاں میکنند ازین رو
بصارای آن نواح خواهش دارند که دولتین روس
و انگلیس اقدامی در حمایت مالی و جان آنها
نمایند

حبل‌المتین

این تلگراف بزرگی مانند تلگراف فوقی
اصل و مبنی بر پلنتیک است همین که دولتین روس
و انگلیس از قبولادن آن شرایط استقلال ویران
کنندریه استقراض مابوس گردیده و دیده و داستند که
ملت ایران در ادای این حزن وجه بدوات خود
حاضر و موجود است این گروه‌های تازه را برای
ایران می‌رقصاند. یک دفعه پای آلمات را بیان
آورده آن هیامو را در عالم می‌اندازند و حضور
سید روت نمایند دج بسک آلماتی را که مبنی بر
معاملات تجارتی است با هزاران پیرایه می‌خواهند
لباس پلنتیکی به بوشاند و بر عالیان دحالت‌های غیر
محقانه خود را لباس حقانیت بوشانده خویشتن را
ناچار قرار داده بسم جلوگیری از پلنتیک آلمان
هر گونه مداخلات غیر مشروع در ایران به نمایند،
این است که واقعات غیر مترقبه در لنگه و عباسی
پیش می‌آید، قونسل انگلیس در بین راه شیراز و
اصفهان دوجار نزد و دغل بین شده و این جدا

بکشتوانی دو پیرایه ارومیه را دیده و می‌دانند
که این آواز از پلنتیک است جهت بلند گردیده
و این گروه سیاسی از کجا و قصیده است شریک
امتیاز کشتوانی آلمان در دریای ارومیه و تداووات
او از قرق دماغ تا ساحل دریا چه تمام می‌باشد
پلنتیک است حرف این است که پلنتیک عبارت از
اقدامات سر بسته است، ولی این اقدامات ازین پس
آفتاب است نسبت پلنتیک بر آب نمیتوان دله
امید است سایر دورنماجات ابراهیم اقتدا بروز نامه
شریفة مجلس حقه نیز تردید این گونه اکادیم
نکوشد و نش از همه بر مایندگان دولت در هر
نقطه لازم است که مجرد این گونه اشاعات از مرکز
تحقیق نموده فوراً تردید او را از محبر روتر و سایر
جرائد بخواهند، چه برح اشاعات است (مانند همین
دو تلگراف) اگر تردید شود ماداره اثرات بد
از ابرایان دو قلوب اروپائیان حلی میدهد
بسالان دراز نمیتوان رائل نمود، ما با آن اطلاعات
واسعه که در امور ایران داریم این تلگراف را تکذیب
نموده و این اشاعات را مبنی بر پلنتیک میدانیم
و حقیقت واقعه این است که کاترینه نام دختر یکی
از کشیشان عاشق بچوانی از افراد شده در معیت او
از پدر و مادر و خویشاوند فرار می‌نماید پدر و مادر
سایر بصارا را گرد آورده بر خلاف قانون سخت
بمحکومت محلیه پروتست کرده. پس از یک روز کاترینه
را حاضر و در دارالحکومه مجلسی از هیچ پلنتیک
ترتیب داده کاترینه را استعطاق کرده و با این بچه
بی میلی او از پدر و مادر و رغبتش آن جوان
معلوم بود حکومت محض اینکه آن آواز تا به هنگام
فرو نشاند به پدر و مادرش تسلیم کرده، تخمیناً پنجاه
یک ماه قبل واقع شده بود، از این تلگراف چنان
مستفاد می‌شود که مجدداً همان کاترینه یا مثال آن نزد
رفقا و آشنایان قدیم خود فرار نموده اند
مخبر روتر این خبر را با این آب و رنگه رسانید
عالیان می‌رساند، بطریق مسلمان کردن مردان نصرانی
معلوم است ولی خوب است که از غیر روتر
شود که زمان بصارا و آن چگونه مسلمان می‌شود
زیرا این خبر کاترینه را از کاترینه

(ريوال) قافيه را باخته و تير از شست شستن
وما گردید ، ولی شخصاً از مسلك صلح خواهی خود
شان انحراف نوزبده بودند

ایرانیان عموماً اعلیحضرت ادورد هتم را بیک
نظر محبویت و نوع خواهی و آزاد پسندی مینگریستند
و چون در ایام سلطنت ایشان انقلابات عظیمه سیاسی
در ایران پیش آمد و دولت انگلیس به آزادی و
حریت ایران خدمات نمایان نمود ، رحلت این شاهنشاه
خیلی بر قلوبشان مؤثر و دلگداز است و خویشان را
شريك ملت انگلیس در این مأموریت بزرگ میندازد
روزنامه ملی جبلالتین از جانب ملت ایران
ملت نجیب انگلیس را با کمال تأثر تسلیت گفته
توقی و اقبال اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه حاکمه
انگلستان را خوانندگار است

رحلت اعلیحضرت ادورد هتم
(یا تصور انقلابات سیاسی)

درین موقع نازک که داخله انگلستان بمناسبت
کشاکش دوساله پارلمان و مجلس اعیان بر آشوب است
رحلت اعلیحضرت ادورد هتم را خالی از اثرات
عظیم نمیتوان پنداشت ، اعلیحضرت ادورد هتم را بواسطه
کبر سن و علم و تجربه و حلم و صلح جوئی بیک گونه
محبوب القلوبی و مسموع الکلمه گی در کلیه ملت انگلستان
بود و هر وقت خوف انقلاب در انگلستان میرفت این
امید هم بود که هرگاه اعلیحضرت کار را سخت دیده
میان اوقات طرفین با احترامات شاهانه ساکت مانده آرام
خواهند گرفت ، علاوه بر این بجز نظر بحسن معاشرت
و نجوشی که با تمام سلاطین عظیم الشان داشتند کمتر
خوف حملات سیاسی بر روس و نفوذ انگلیس در خارجه
میرفت مع ذلک سال گذشته اعلیحضرت در نطق خود
با به نصیحت لاردها اظهار فرمود که خانه جنگی
ند است و نفاق داخلی مورث تضییع حقوق دولت
در خارجه مبرگردد و میتوان گفت امروزه بمبحوحه
سده جنگی و کشاکش داخلی انگلستان است و درین
موقع بلاشکه رحلت اعلیحضرت ادورد هتم خیلی
مورث تشویش تواند گردید

اعلیحضرت جارج پنجم به تخت موروثی جای
گزیده و بدون اختلالهم مراسم ابتدائی سلطنت ایشان
عمری گردید ، ولی ظاهراًست که امروز چه رعایای
انگلستان و چه سیاسیون سایر دول آن ملاحظه که

از اعلیحضرت ادورد هتم داشته از ایشان نمایند
پیش از همه حلم و بردباری آن اعلیحضرت مسکه
خلال بسی مشاكل میتواندست واقع کرده درین
اعلیحضرت مسموع نیامده ، آن اعلیحضرت چون
مسلك صلح و سلم را اختیار نموده بود طبعاً میلانشان
بفرقه ريوال پیش بود و ازین رو میتوان گفت در
عهد سلطنت اعلیحضرت ادورد هتم ريوالها خیلی
قوت گرفتند و در کلیه مستعمرات انگلیس حس
آزادی پیش گردید ، میگویند اعلیحضرت جارج پنجم
تا درجه یورو مسلك والد خود بستند و بفرقه
کنسرویتو میلانشان بیشتر است

چیزیکه محلشه نمیشد این است که هرگاه تقار
بین مجلس ملی و مجلس اعیان انگلستان فوری مرتفع
نگردد از نفوذ و رسوخ انگلیس در خارجه
خیلی خواهد کاست ، خصوص درین موقع که ختک
سیاسی دول در تکیه میباشد ، اعظم مسائل سیاسی که
امروز آماجگاه سیاسیون گردیده واقعات ایران و
مسائل آسیای وسطی میباشد

(مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس مسکه
درین موقع مجبور بمسافرت انگلستان و برلن و
ملاقات اعلیحضرت ادورد هتم و وزیر خارجه آلمان
گردیده بود تمام مبنی بر واقعات وسط آسیاست
ایرانیان اگر با سیاست و فراست باشند امروز
میتوانند درین دست بندی سیاسی کشتی استقلال خویش
را بساحل محبت برسانند ، مشروط بر اینکه ترك
مرعوبیت گفته تسلیم باین و آن نشوند ، و بقین بدانند
که نفوذ و اقتدار روس در ایران اگر مرعوبیت را
ترك نمایند رفته و میرود بدانجا که عرب نی انداخته
برای آلمان در حاصل نمودن نفوذ در وسط آسیا
بجز ازین موقع متصور نیست ، انگلیسها از کشاکش
داخلی خود مجال مناقشه سیاسی با آلمان
ندارند ، و ناچار عنقریب ترك حمایت روس را در
اجتماعات بایران خواهند نمود ، درین صورتم
روس ها در مقابل آلمان جز سر تسلیم خم نمودن
و سپر انداختن چاره نخواهند داشت ، ولی ایرانیان
راست که قافیه را نباخته از چاه در نیامده خود را
بجمله نیندازند ، یعنی با آلمان هم با منتهای سیاست و
هوشیاری رفتار نمایند تا آنکس که از دهان گرگشان
میرباید عاقبت گرگشان نشود

بعد از نشستن جارج پنجم به تخت انگلستان و ادای مراسم ضروریه تاجگذاری و غیره گمان نمی رود که ویرالها بتوانند تا دیروز باز بحکومت برقرارمانند و باید دانست که امروزه برای ایران حکومت فرقه کنسرویتو پیتر از ویرال است، چون اسباب مهمل داشتن معاهده دولتین روس و انگلیس که بزرگترین طایق ترقی ایران شناخته شده یکی هم آمدن فرقه کنسرویتو هست بحکومت انگلستان، چه کنسرویتو ها از ابتدا مخالف با این معاهده بوده و تا امروز هم از اظهار مخالفت باز نیامده و بسیاری از فرقه ویرال هم مخالف با این عهد نامه اند نهایت آنکه چون حکومت حالیه انگلستان این معاهده را بته تا اندازه از مهمل شدن آن ملاحظه میکند و سعی است بلکه بملاصحت روسها را از خیالات فاسده باز داشته و این طوق ملامت را از گردن خود دور دارد، آنچه ما ملاحظه می نمایم این است که رحلت اعلیحضرت ادورد همقم هیچگونه وخامتی را برای ایران دعوت نمی نماید بلکه تصور برخی انقلابات که می رود هر پهلوی او را بشکافیم می بینیم که بعضی از ابرهای کدر را از افق سیاست ایران خارج می نماید مشروط بر اینکه ایرانیها خود را نباخته از روی سیاست پیش روند و خیلی دقت کنند، آن بانی که ترسوا و مراکو از آلمان خورد آنها نخورند، و بدانند که آلمانم تابع نفع خویش است و بس، و هیچگونه خویشاوندی با ما ندارد، اقلاً همین قدر دقت میکنند که اگر بکقدم آلمان را پیش می آورند دو قدم سایرین را عقب نشانده باشند امیدواریم درین دوره چنانچه تا کنون ایرانیان سهو نکرده درین میدان سهو نکنند

تقریر جناب لاردر لنگتن

(در مجلس اعیان انگلستان)

لاردر لنگتن در مجلس اعیان پرسش نمود که آیا میتوانند بیان نمایند مخابراتیکه دوسنله قرضه ایران با روس و انگلیس شده، سپس شروع باین تقریر نمود کوششی که ایرانیان نمودند در تشکیل سلسله مشروطه و پیشرفتی که تا امروز کرده اند قابل هر گونه اعتماد و تعریف است و ایستادگی که در مقابل دشواریهای سخت نمودند ابراز قابلیت خود را در این مقام دادند، حاصل اول عهد نامه روس و انگلیس

و تعظیم نمایند، ولی افسوس که این فصل عهدنامه تا کنون به وقوع اجرا نیامده من شخصاً حاضریم که ضمانت نمایم اگر قشون بیگانه از ایران خارج شود ایرانیان با کمال لیاقت و قابلیت کسب قدرت و جلب امنیت نموده، سلطنت مشروطه خود را ترقی دهند، مشروط بر اینکه کابینه مداخلتهای خارجی در داخله ایران موقوف شود، و مرا یقین کامل است که ایرانیان انتظامات اندرونی خود را بدون استقراض خارجی هم انجام توانند داد

شرایطی که برای استقراض دولتین ایران پیش نموده اند قابل قبول هیچ دولت آزاد با مشرقی که در راه استقلال خود جانش فدا کرده نبوده این شروط برای دادن یک قرض نیست وقتی تقاضای یک جزئی وجه در ایران شد بدوا طرف با روس و انگلیس شدند، ولی نمایندگان این دو دولت وضع احتیاج او را صلاح ندیده که بخودی خود بتواند اصلاح مفاسد نماید و این روش یک گونه حکمت عملی بود که ایرانیان را باز میداشت از انجام اموری که استقلال این دولت جدید را دعوت می نمود، و حال آنکه دولت ایران را وجه از این رو ضرورت شده بود که قشون خود را مرتب داود و انتظام مملکت و قائم نماید اینک در اخبارات دیده می شود که دولت آلمان قدم پیش نهاده که در رفع همان ضروریات وجه بدولت جدید بدهد، اگر چه مرا اطلاعات کافی در این باب نیست ولی مداخلت دولت تالی در ایران رفع مشکلات آن مملکت را نتواند کرد، ما نمیتوانیم در این موقع ایران را بدنام نموده ملزم قراردیم چه با آن تدارکات بزدلان ما اگر ایران در رفع احتیاج خود رجوع بتالی نماید، مقام ما در وسط آسیا از اختیار همین حکمت عملی متزعزع تواند کردید، چه مسلمانان را عموماً جوش زندگی تازه بسر آمده و ایران حاصل نموده است در تمام مسلمانان دنیا مقام بسیار منبع و رفیعی را، بدون شبهه اگر از مقام ایران چیزی کاسته شود گویا ما برضد مقاصد جبر و مایه اسلامی خود حرکت نموده ایم، چنانچه مرا اطلاع رسیده است که ایرانیان جماعتی را به هندوستان فرستاده اند که مسلمانان را در مدهدی خود به بیجان آرند، من از روی ایقان میگویم اگر خطی باستقلال ایران

هندوستان کم زور و کم قوت خواهد شد. ولی اگر ایران را بحال خود گذاریم که استقلال خویش را حفظ نموده و خویش را از این گرداب سیاسی نجات دهد یک قوتی حاصل خواهد شد که همواره هندوستان را از حمله روس محفوظ دارد. نه فقط من سستی تدارکات دولت را درین موقع ملاحظه می نمایم بلکه می بینم که روزنامه طمس که خود را نماینده تانی دولت میداند و بدو در تمجید ایران دقیقه فرو گذار نمی نمود امروزه تمام هم خود را صرف می نماید که محسنات حکومت ملی ایران را در اسرار ملیان قبیح حلوه دهد. در این موقع قابل ذکر است که چند بوم قبل روزنامه طمس تقریبی بر کتاب (وارث هیستینگ) نوشته و چنین بحث نموده بود که همینکه هیستینگ از سیاحت خلیج فارس نزد فرما فرمای هند بککته آمد اظهار داشت که روسها محال با عقل حرکت نموده که برای بیرون کردن عثمانی از اروپا سعی دارند که خود را با اسلامبول برسانند چه اگر متوجه بخلیج فارس شوند از یکطرف شاهنشاهی آسیا را متصرف شده و از طرف دیگر عثمانی را هم از اروپا خارج خواهند نمود.

تهدیدات پلنیک
(یا رقصاند گره تاره)

مخبر روتر از طهران ۲۵ ربیع الثانی مطابق پنج می خبر میدهد که سزای دولتی روس و انگلیس از دولت ایران طلب نموده اند جواب یادداشت تازه را که در آن ایراد شده بود گرو گذاشتن برای استقرض جدید چیزهایی که در استقرضهای اولیه گرو بوده و متنبه نموده اند ایران را از سپردن بخارجی انتظام قشونی و امتیاز پلنیک و اغراض ازین یاد داشت همانا استقرض از دولت آلمان است و گویا چند امر را خواهند که من جمله بان شرو می که از ما وجه نگر فید از دیگری هم نباید بگیرد، چرا که بدو با رجوع کرده و حق ما شناخته می شود. دیگر آنکه چون شما استقرض از ما را باین اسم رد کردید که شرایطش مبنی بر پلنیک است و باین اصول خواسته اید که بر ملیان طاهر دارید که امرات نزاکت از طرف شما شده و به ترک حقوق اقدام نموده اید، اگر شما در قول خود صدقید باید زیر بار قبول شرایط پلنیک نمانی هم بروید. درین از همه غرضشان ازین مراسله این است که بدین راه را از تانی برای استقرض قبول اند بدو با ارائه دهید اگر ما منظور نمودیم از ما بول بگیرد و رنه از دیگری

از روزیکه گنگوی اتحاد روس و انگلیس در میان آمده رموز دانای سیاست میدانستند که غرض دولتی تقسیمات جغرافیائی ایران و سلب استقلال این دولت شش هزار ساله است. و تاکنون هم قدمی که برداشته و هر نقشه که ریخته اند مبنی بر همین دو مقصود بوده است.

بارها نوشته ایم که امروزه وضع پیشرفت سیاسی با پلنیک است نه لشکر مکنی، و شرط پیشرفت پلنیک هم مخالفت افعال با اقوالست، چنانچه دولتی تمام تصرفات ناجائز حقوق شکنانه خود را تا کنون خیر خواهانه و حفظ استقلال ایران نام نهاده اند. ولی هر قدمی که برداشته اند یک گوه حقوق استقلالیه ایران را بر باد داده اند که شرح هر یک در مقام خود ذکر شده و درین جا لازم به تکرار نیست. سبب این است که درین تدکراف روتر (اگر قابل تصدیق باشد) صراحتاً دولتی بجهت فوق استقلالیه ایران تجاوز نموده اند. دولتی توضیح خواسته و حال آنکه در جواب اولیه که دولت ایران در رد استقرض داده صراحتاً توضیحات لازم داده اند، چنانچه از اخبارات انگلیسی طاهر می شود. جواب دولت ایران مبنی بر رد امر بوده است. اول آنکه شرایط را که دولتی پیش نموده اساس بر پلنیک است و هیچ ربلی منافع اقتصادی ندارد. دوم دولت ایران جز سود و ضرات به هیچ شرط استقرض خارجی منظور نتواند نمود. این جواب با اندازه صاف و جامع است که توضیح بردار نمیباشد. پس سفارتین ازین بیانات چه می خواهند.

غرض سزای گویا این باشد، که بذریعه این گونه مخبرات تهدید آمیز به تأیید آندستهای داخلی و فشار های خارجی ایرانیان پلنیک ناشناس را دو باره به گنگوی استقرض با خود شان میلان دهند، و برای گول زدن ایرانیان برخی از الناط شرو می که در استقرض پیش نموده تغییر دهند، و درین ماده دو مقصود دارند یکی آنکه ایرانیان را چندی دیگر باین گنگوها مطلع نموده از فراهم آوردن وجه و انتظام داخله باز گذارند، دیگر آنکه بمرور زمان و شناختن بالفاظ مختلف علمت شرو می پیش شده استقرض را کم کرده بدین وسیله وحشت ایرانیان را از قبول شرو می کم به نمایند، از این است که انصاف کن روزنامه خود (طمس) لندن در مقاله مخصوص خود خیلی سعی نموده که عدم ضرورت شرو می استقرض را که دولتی پیش کرده

ثابت نماید، ولی گاهی که فوق سلیم دارند و جریده طمس را ملاحظه نموده محسوس می نمایند که قلم نگارنده طمس ازین مدافه شرمسار و بدآنچه مینویسد خودش هم عقیده ندارد، مزه اینجاست که میخواهد بر طالبان مشبه سازد که عدم قبول ایرانیان این استقراض روس و انگلیس را بواسطه سختی شروط نبوده بلکه علل دیگر داشته و چنین ذکر میکند، اول - ضرورت امروزه دولت ایران مانند دسامبر (۱۹۰۹) که استقراض را خواست نمودند نیست، دوم مالیات از هر طرف وصول میشود، سوم مالیاتهای چند اضافه شده، چهارم جواهرات دولتی قیمت خوب آورده، پنجم گشتگوی قرضه داخله هم هست، ششم آلسام با یک مشت پول خودی بمیان انداخته است، این امور کلیه دست یکی شده علت رد استقراض روس و انگلیس گردیده است

ولی جراند منصب انگلستان در مقامی که رد استقراض دولتی روس و انگلیس را از دولت ایران نوشته در شرح و بیض مضار شروط استقراض دادحق گوئی داده تا حائیکه در ذیل شروط استقراض می نویسند، امری که مرید شرمندگی عوام اسابت و تمدن خواهی میباشد این است که دیده می شود در ذیل شروط استقراضیکه بدولت ایران پیش شده امضائیم از دولت انگلیس دیده می شود

در این هیاهو آنچه محقق گردیده این استقراض دارای شش شرط بوده (۱) کنترل چهارده گانه بر مالیه ایران (۲) امتیاز اولویت راه آهن جنوب و شمال بروس و انگلیس (۳) اختیار قشون شمال و جنوب باختیار افسران روس و انگلیس (۴) انحصار کشتی رانی در دریاچه ارومی روس، (این چهار شرط را سابق هم شرح داده بودیم، چیزیکه تازه معلوم گردیده شرط پنجم و ششم است) (۵) صام استهلاك این وجه کربک خواهد بود که ضامن قروض اولیه است (۶) سود این قرضه صدی هفت خواهد بود از شرط پنجم غرضشان این بود که این شروط را شامل در کلیه قروض دولت بنمایند، باید درست دقت کرد که سود صدی هفت با این ضامن معتبر و این شروط استقراض ویران کن تا چه اندازه غرضشان فشار بر ایران و قصدشان بی اعتبار نمودن دولت جدید در داخله و خارجه بوده است.

در هندوستان که از تمام ممالک آسیا سود بیشتر است تجار متوسط با امضای شخصی از بنکهای بزرگ صدی چهار و چهار و نیم قرض مینمایند و حکومت در هیچ استقراضات داخلی از سود چهار فی صدی سالانه پیش نمیدهد، روزنامه طمس با آن شدت بی اصفی که در معاملات ایران مسلک اختیار نموده تصدیق میکند که این سود زیاد است، ولی باز می نویسند برای ایران این سود زیاد نیست

ایک که دولتی دیدند ایرانیان تا این درجه مجبور و تقم نیستند که تن قبول این شرایط استقلال ویران کن بدهند با تهدید پیش آمده چنین مراسم بدولت ایران پیش نموده اند،

ایرانیان بدانند که بر طالبان مدلل گردیده که دولتی در پیش نمودن شروط استقراض غرضشان این بود، که ایرانیان را مجبور ساخته جلب منافع بلتیکی نماید، و بدترین بی دینگی و بدبختیها را از خود درماده ایران نزد جمیع ملل متمدنه نوع خواهانجامت نمودند، و از این رو دولتی نمیتواند در رد این استقراض نسبت ترك دوستی با ایران دهند، چه دولت ایران پیش از اینکه رجوع بنالی نماید رجوع به آنها کرده، ولی بد بختانه دیدند که نیشه ها دست گرفته برای کندن ریسه ابدی استقلال ایران حاضر شده اند باچار از قبول چنین وجهی که خون بهای استقلال ایران بود صرف نظر کرده مجبوراً در صدد چاره حوئی از مراکز دیگر شدند،

البته ایرانیان دانسته اند که گرفتن پول از این دو همسایه، ولو بخت باشد، و هیچ شرط و سودی از برای آن قرار ندهند، باز هم حاوی بدترین زیانات برای ایران تواند شد، ابداً لازم به بیان نیست، دولت روس که از کثرت قرض و زیادتی خرج نزدیک است ور شکست شود، بجه خیال باین اصرار میجوهد بخلق ایرانیان یک مشت پول بام استقراض بریزد،

ایرانیان را پوشیده نیست که غرض دولتی از دادن وجه با ایران جلب منافع اقتصادی نبود، چه جمیع شروطیکه برای این استقراض با ایران پیش نموده بلتیکی بوده نه اقتصادی، و نیز قصدشان خیرخواهی و حفظ استقلال ایران نمیباشد، ورنه این شروط استقلال ویران کن که علناً تقسیم ایران است

پیش نمی نمودند. این است که ایرانیان با تمام قوای خود ایستاده که خود را پیش از این دچار فشار این دو همسایه نه نمایند.

ایرانیان دانستند که تمام انقلابات سه ساله ایران مبنی بر ریختن یک چنین استقراض بخلق آنها است. ایرانیان میدانند که دولتین برای قبولاندن استقراض با ایرانیان هنوز هم هراران نقش خواهند زد. و رنگ بآب خواهند ریخت.

ایرانیها کودن نیستند و میدانند که همسایگان با کدامین دستهای داخلی همدست اند که بهر شکل بتوانند دولت را وا دار ماستقراض روس و انگلیس نمایند. برای پیشرفت این مقصود امروز هواداران روس و انگلیس مستعد هر گونه اقدامات هستند. حتی در انداختن اعتشاش و دادن پناه بدست دو همسایه کوتاهی نمی نمایند.

ایرانیان بخوبی استقلال خود را دانسته و تمخبات خویشتن را میدانند که هر گونه امتیاز و رعایت پلنیک و اقتصادی که بحال ملک و ملت مفید داد اعم از لشکری و کشوری هر دولت و ملتی میتواند داد.

ایرانیها در معاملات سیاسی خود بخوبی واقف اند و میدانند این مراسلات تهدیدات پلنیک است و استحکام آن از تار عنکبوتی پیش نیست. و این تهدیدات خود آورده است. یعنی حامیان روس و انگلیس خواسته و آنها هم پیش نموده اند.

ایرانی ها میدانند که معاهده روس و انگلیس هیچگونه ربطی با ایشان ندارد و فقط شروطی است که بین دولتین منظور شده و در ابتدای این معاهده مجلس پارلمان و دولت ایران صراحتاً او را رد کرده و خویشش را هیچ وجه مربوط آتش ندانسته اند.

ایرانیان به آواز بلند میگویند که جناب سرادورد گری وزیر خارجه در نطق خود در توضیحیکه به پارلمان داده منتهای بی دیانتی را کرده که دعوی نموده است که هنوز حقوق دولت انگلیس در اولویت راه آهن جنوب باقی است.

ایرانیان با ندای بلند میگویند که مسلك جناب سر ادورد گری در حمایت های بناحقیکه از دولت روس در معاملات ایران نموده نه تنها داراییه و زیانات سیاسی و اقتصادی برای دولت انگلیس در

ایران است بلکه نام دولت فخریه انگلیس را به تمدن کسی و ناحق پسندی در صفحات تاریخ دنیا لکه وار میدارد. و صهیویت طغی انگلیس را از قلوب احرار ایران زایل مینماید.

ایرانیان میدانند که دیر یا زود دولت انگلیس طوعاً و یا کرهناً در معاملات ایران مجبور به ترك همراهی روس خواهد گردید. ولی پس از آنیکه لکه تاریخی بروی دولت حریت خواه انگلیس نهاده شده باشد.

ایرانیان مقاصد فاسده روس را دانسته اند که با کمال شناخت سعی است کم شده های خود را در منچوریا از ایران حاصل نماید.

ایرانیان با آهنگی بسیار سیوا دولت روس را ازین تجاوزات منع نموده و با چین چین وی را تهدید مینمایند. که هرگاه بخودی خود ترك تجاوز نکند با قنای سیاسی، پس از آنیکه قنقاز و وداع ابدی گفته زمین پترزبرگ را بوسه خواهد زد.

ایرانیان میدانند که دولت انگلیس در معاملات ایران بااصاله دارایی رأی نیست. بلکه بملاحظه اتحاد و معاهده با روس. آنچه دولت مشار الیها پیش می کند خواه خواه امضاء می دارد.

ایرانیها نیکو از حیثت همسایگان واقف گردیده میدانند تا چه اندازه در مبدات پلنیک استقامت توانند ورزید.

ایرانیان هنوز مسئله مراکو و بالکن و نیت و مقدونیا و سوماتلی را فراموش نکرده اند. آری این دو همسایه محترم ناوقتی که مد مقابلشان ما باشیم همین هیاهوها را دارند. ولی وقتی که مد مقابلشان دولت تالی واقع گردد. چنانچه در سایر مواد سپر انداختند درین ماده هم سپر خواهند انداخت.

ایرانیان میدانند که برای لغو نمودن معاهده روس و انگلیس در تقسیم جغرافیای ابراش باید از هیچ اقدامی فروگذار نه نمایند. معاهده روس و انگلیس مابین خودشان است و هیچ ربطی با ایران ندارد و ابداً ایران پای بند بر آن نتواند شد.

ایرانیان میدانند که برای لغو نمودن معاهده دولتین درباره وطن عزیز شان ناچار در سازش با دول دیگراند. ورنه اگر انتظار خود را بدست این دو همسایه دهند باید از استقلال خویش چشم

بربنده بهترین دلیل هانا دست استقراض است که نزد آنها دراز و شروطی است که بآنها پیش کردند دولتمن با این شروطکه در استقراض بایران پیش نموده نمیتواند دعوی دوستی بایران بنماید ایرانیان بخوبی میدانند که اگر رعایت پلتیکی در حق دیگرسیه نمایند این تهدیدات پلتیکی تمام بهوای می بود و دوتن هم خواه خواه آچار قبول و تسلیم خواهند گردید چنانچه در سایر مقامات هم گردیدند

ایرانیان خیلی ازین گونه تهدیدات پلتیکی سیاسيون دو همسایه را در مسئله بالکان و تبت و مقدونیا شنیده و نتایج آنها را هم دیده اند بی طمس سه هفته قبل نوشته بود که دوتن در جلوگیری از خیالات ایران تنقریب مسلك خود را ظاهر خواهند داشت. معلوم می شود که مسلكشان همین تهدیدات پلتیکی بوده است و جناب سرادوردگری هم در پارلمان اسکستان خط به بیدایتی دولت انگلیس کشیده دعوی ناحق نموده که باوجود گذشتن مدت اولویت امتیاز راه آهن هرگاه دولت ایران امتیاز بدولت دیگر دهد، ما را هم در جنوب همان حق خواهد بود. بجه اصول اظهار نداشته، ولی ما اظهار میداریم که مبنای فرمایش سرادوردگری بدهیه (الحق لمن غلب) است، یعنی ضعف ما را دیده و به قوت خود نازیده چنین دعوی باطلی می نمایند ایرانیان باید بدانند که بزرگترین تجاوز بحقوق استقلالیه ایشان هانا مراسله توامی است که سزای دولتمن بایران پیش کرده اند. اگر ایرانیان دارای حقوق استقلال اند دولتمن را چه حق تهدید نمودن برعایت های پلتیکی است که بدولت نالی بدهد، عنوان این مراسله (اگر چنانچه مخبر روتر بصدق خبر داده است) بالاترین حمله بر آزادی دولت ایران است. پس ایرانیان راست که با يك عزم صمیاه بفظ استقلال خود ایستاده و جواب این مراسله را دندان شکن بدهند و نگذارند که این دعوی دولتمن بر ایران مسجل ماند

ایرانیان باید بدانند که این مراسله هم آورده از خودشان است، یعنی برای تهدید وطن خواهان و مجلس مقبوس اهل چین. مراسله را قبول کردند چنانچه وقتی مجلس مقدس زور در اخراج قشون

روسی آورد آن بازی پلتیکی را پیش آوردند ایرانیان ازین وجه نباید باین پلتیک های بوسیده اعتنا بنمایند و در پیشرفت مقاصد خود مستعد باشند و با این تهدیدات پلتیکی از جانی بجنبند، ایرانیان باید بدانند که هنوز عقبات سیاسی خیلی در جلو دارند که مشکل ترین آنها معاهده روس و انگلیس است، و چنانچه بدون استقامت و استقلال و فدیة مال و جان حاره های داخلی را از جلوراه خویش بر نداشتند بدون استقامت و استقلال و فدیة مال و جان موانع خارجی تربیات وطن اسلامی خود را هم مرتفع نتوانند داشت

ایرانیان باید بداند که مرعوبیت ضد استقلال و حریت و با مرعوبیت دعوی استقلال خواهی غلط است، هنوز همسایگان ما دارند از مرعوبیت ما فائده گرفته برگردن آرزوی خود سور میشوند، ایرانیان نباید از اتحاد روس و انگلیس بترسند، ایرانیان باید از مسئله تبت و بالکان و افغانستان و مقدونیا که شامل در این اتحاد بود عبرت گیرند، ایرانیان باید بدانند که همسایگان آنها دهانی که بتوانند ایرانرا بلمعبده و هضم نمایند ندارند، فقط آنچه از ما می برند از سازش با خودمانی ها و مرعوبیت خود مان است، ایرانیان از اهالی سومالی کم نیستند، و صدها مانند ملای سومالی دارند، بی بدبختانه مراعات تراکتهای سیاسی که روسی پرستان مستلزم عبودیت ما قرار داده، يك کج فهمی یا حماقت تمدن نائی در ما توایند کرده است، که حتی مأمورین همسایگان ما آن تحکامیکه برعایا در خاک خود نمیتوانند بنمایند بدون ملاحظه درحق ما مرعی میدارند و نزاکت شناسان ما با آن يك و بوز فرنگی مآبی میگویند، دم مزید که به رگ نزاکتشان خورده عالم زیر وبالا خواهد شد، ما هرگز منکر تراکتهای سیاسی نیستیم، ولی مراعات این نزاکت باید از طرفین بشود، نه فقط از طرف ما که حق طرفهم از مرعوبیت ما دانسته و بیشتر برگردن ما سوار گردد، آری همین نزاکت کاریاست که پس از ملیونها خسارات مالی و جانی که در راه استقلال وطن عزیز خود تحمل نموده ایم امروز علناً دو همسایه دوست ما میخوانند استقلال شش هزارساله ما را برباد دهند، بی در این موقع نزاکت کاری داریم، و عمو اندی ما است

اداره جبل المتین هیچگاه همراه نبوده و نیست که ایرانیان در حق هیچ دولت اجنبی خاصه جنس اروپائی مراسم پلنگی نباید ولی ایرانیان راست که هرگاه مخبر روتر عنوان مراسله سفارتین را چنانچه نوشته مقرون بصواب باشد سخت پروتست نموده و نگران دولت خود باشند که جواب کافی و شافی بدهد و فقط باین جوابها نباید قناعت شود. باید مخالف ادعای حقوق شکنانه و استقلال بر باد ده دولتی ولو جزئی باشد فعلاً نایستند، مجلس مقدس شورای ملی راست که دقت تام در جواب وزارت خارجه درین باب فرماید، ما میدانیم وزرا مسئول صحت عمل خوداند و مجلس نباید در وظائف راجعه آنها دخالت نماید، ولی افسوس که ما هنوز دارای وزارت خانه نشده ایم و مسئله مفتاح السلطه و توضیحات غیر صحیح معاوضت وزارت خارجه مدلل داشت که هنوز منزل مقصود دور است، و یک لفظ غلط در این جواب میتواند تیشه به ریشه استقلال وطن بزند و در صورتیکه وزارت خارجه برخلاف مقصود جواب داد و بعد که معلوم شد خطا کرده عزل هم شد. آیا عزل او تیر از شست رها شده را باز میگرداند؟ غرض این است که در جواب این مراسله خیلی باید دقت شود و جواب هم چنانچه این مراسله علنی و عالم گیر بود باید علنی و عالم گیر ساخت، دانایان ره روز سیاست میدانند که عنوان این مراسله چه قدر طالبان را متوجه بایرانش نموده چشمها واز و گوشها در انتظار است که جواب این مراسله را از طرف ایران بشنوند حضرات آیات الله راست که خیلی دولت را متوجه جواب این مراسله فرموده و بقول آنها اکتفا نه نموده قدری بزرگیت اختیار فرمایند و چون یقین دارم که عقیده این خادم اسلامیت را در سیاسیات تصدیق دارند لذا عرض می نمایم که بزرگترین حمله سیاسی بر استقلال ایران همین مراسله است، هرگاه ما جواب شای فدا داده فعلیت اختیار نمایم باید فائحه استقلال این مملکت اسلامی را خواند.

بارها عرض کرده باز هم عرض می نمایم که سوم سیاسی در جسم یک ملک و ملت به تدریج سرایت می کند این است که دانشمندان سیاست در همان قدم اول حریف را جلوگیری نموده از همان جا که آمده باز میگردانند اگر درست دقت شود هر روز صورتاً و منماً

همسایگان دارند از استقلال ما میکاهند و ما باین خوشیم که محمد علی معزول شده است این خادم اسلامیت امروز با ندای عالم گیر تمام حجت نموده و فردا چه قیامت بحضور صاحب شریعت ثابت خواهد نمود که عدم فعالیت مقام منبع ریاست روحانی اسلام این مملکت اسلامی و مسلمانان آزاد را بقید کفار داد کدام وقت برای اسلام نازکتر ازین موقع خواهد بود؟ چرا برای حفظ اسلام جداً بر نمی خیزند؟ سلطنت شیعه دارد حائمه می پذیرد، همان روسی پرستانند که شمارا مرعوب داشته، همان ارتجاعیون اند که شمارا از مخالفت فلان ملای ترسانند، چه شد سیرت رسول خدا، کجا رفت کردار امیر المؤمنین (ع)؟ خدا رحمت کند آیت الله میرزای شیرازی را که که یگو سر مشق گذارد

امروز با ندای بلند به مقام منبع ریاست روحانی اسلام شکایت نموده که بواسطه آنکه آن موالیان فعالیت فرموده ازین رو اسلام و مسلمین را کار باعجا رسیده است، هرگاه بعد از حرکت بکریلا فریب سخنان بعضی انسان صورتان را نخورده و به برخی تلکرافات دلخوش کن و وعده های پلنگی قناعت نوزیده معاودت نمی فرمودند، قشون بیگانه تا امروز در ایران توقف نمی کرد و همسایگان جرئت نمی کردند که تا این درجه حمله سیاسی بر استقلال ایران به نمایند، و هنوز هم وقت نگذشته ولی دارد میگذرد، و چون از ابتدا اقدام شاه بزرگواران را مردم دیده، حالا هم بدون حرکت شاه حرکتی نخواهند نمود، اینوقع را باید عنایت شمرند، ورنه خدای نخواستہ باید روزی که این نفوذ که روحانیت در ایران باقی نماند و در آنوقت اگر نخواهید هم، کاری از دست تان بر نیاید، همین قدر بدانید که سکوت شاه بزرگواران باندازه اجانب را در داخله حری و با اقتدار و نفوذ ساخته که در هر آن بحرکت خودمان میتوانستند ایران را زیر و بالا نمایند و هرگاه باز هم بر تانی خود قایم باشند خواهند دید که ازین سر تا آن سر ابرانش را بر از آتش انقلاب ساخته اند و با هم حفظ امنیت از چهار طرف قشون در ایران زیاد خواهند نمود.

(سر چشمه باید گرفتن به پیل)
(چه بر شد شاید گذشته به پیل)

«صیبت و فلاکت»

(اسباب انبیا و عبرت می شود)

آدم قائل از هر فلاکتی که در دوره جبلت خود می بیند، باید يك درس انبیا بگیرد، پس هر مصیبتی برای فرزند انسان اگر چه بحسب ظاهر مضر و تلخ و درد ناک است، ولی معنأ مصیبت و عذاب باداژه عظمت خود معلم میشود، و به آدمی درس میدهد. این درس و موعظت را زمان و بیان دیگر هست. که گوش دل صاحبان می شنود، خداوندان شعور و تمیز میشوند، و بیشتر از صرری که چشیده اند سود و مدمت بر میدارند، در فهرست استقبال خود با خط جلی بند و اندرز آن معلم بیعیب را می نگارند و بکار می بندند، نگارنده چون معنی قصا و قدر را بقدر لایق میداند، از آندر سخن نمیراند، زمینه حرف در محسوسات روز مره عالم و تقیه حرکات و اعمال بی آدم است، و میخواهم اگر رفقا اجازه فرمایند بیان فوق را مانند يك قاعده کلی قبول کنم، همان طوری که عقل و حکمت پیدایش صنایع را نتیجه و اثر يك احتیاج میداند، برای ما قاعده کلی معین میکند توضیحاً می گویم، چنانچه هر احتیاج و ضرورت يك ابزار و آلتی را جعل و اختراع کرد، هر درد و ریحی هم یک درمان و علاجی را بزبان بی زانی اشارت میکنند، و می توان گفت که این هر دو در اصل و حقیقت یکی است و مباحثی در میان نیست در میان ملل عالم می توان گفت که ایرانی از همه بیشتر گرفتار مصیبت شده، خوبست به بینم از انبوه انبوه مصائب و مکروهات چه انتباهی حاصل کرده و چه اندوخته ایم، هیچ، بلکه از هیچ هم چیزی کمتر، چندین مرتبه و مخصوصاً میجده سال پیش ناخوشی (وبا) بیشتر از صد هزار نفر را در عرض چند روز بمحاک هلاک انداخت، زنان را پیشوهر و فرزندان را پیسادر گذاشت، ابدأ ب فکر طهارت آنها و پاک کردن مزبله ها نیفتادیم، چهار ده سال متوالی با دولت روس جنگیدیم و هیچجده ولایت قفقاز را باختیم، بلاچ وجه متنبه نشدیم، عبرت نگرفتیم سهل است، تمام ترکستان را هم چندی بعد بشاگردانگی آنعامله دادیم؟ آیا در

عالم با خبر باشد درد و فلاکتی بالاتر از این میشود؟ خیر، پس باید گفت که ما و حرکات ما هیچ بآدم نمیاند، قواعد کلیه طبیعت هم در وجود جمعیت ما بی اثر می ماند، چه اگر مستثنای آن قواعد نبودیم، از غلبه روس و رفتن قفقاز متنبه می شدیم، قدر وطن و هموطن را میشناختیم، راه میساختیم، به لشکر و سپاه میپرداختیم تا فاصله چند سال هرات از طرفی و ترکستانهم از طرف دیگر قطع علاقه ابدی نه بایند.

آری نتیجه آن کودنی و عقلت و نمره عبرت نگرفتن از آلام و تلخی های ایام است که امروز لشکر روس به پشت دروازه طهران آمده و یا سیصد نفر سوار و سرباز می کرور نیره هالیه (رسم) و (نوس) را بیچاره و مایوس نموده بدیده است، هرور بد چندانکه دور شود رابطه را با اشخاص سست، میکنند، حس خصومت کسب سکونت مینمایند، ولی آحماسه انبیا و عبرت باید فراموش نشود، صفحات دردناک ماضی باید همیشه رو بروی چشم هر جمعیت غیرتمند، صور و مجسم باند، مثالی از تاریخ دیگران بگویم

سال ۱۸۷۱ رای ملت فرانسه سال نکبت و فلاکت بود (نابلون) بسزای خطا های خود در (سدان) بسردار (بارن) تسلیم شد و عساکر آلمان با پیروزی تمام وارد پاریس شدند و در سرای بلور شامشاهی (کیلیوم) را اعلان نمودند نتیجه این وقایع و مجادلات داخلی برای مردم فرانسه چه شد، صد و شصت هزار تن از جوانان رشید تلف، دو ایالت بزرگ که تقریباً سه کرور نفوس داشت از زیر بیرق آندولت خارج، دهمیلیارد فرانک هم عرامت جنگ و سایر مصارف بر کردن ملت بار شد، و از همه بد تر و اليم تر مدت پانزده سال تخمیناً دولت فرانسه در جرکه سیاست دول فرانک بیقدر و مزلت ماند، براسق احوال ملت فرانسه در آن تاریخ خیلی رقت آور و خیلی قابل تامل و تخطر است، اما باید دید که در مقابل آنمناظر فجیع و بس ازابتلای بدانمصائب مریب مردم زنده فرانسه چه کردند؟ تسلیم محض شدند؟ بخورد و خواب برداختند؟ بییش و نوش کوشیدند؟ خیر بکس ماها متنبه و پیدار شدند، از سرگذشت خود درس عبرت

گرفتند، يك متاشی عبرت فرا کوشیدند، خرابی‌های
 وارده را تعمیر کردند، در سایه فعالیت ذاتی و قوه
 حیاتیة که داشتند ضرر های مادی و منوی آنوقایع
 ناگوار را لزشویشن دفع و تا اندازه تلافی نمودند،
 هر مدت بسیار اندک نفوذ سابقه دولت خود را
 در فرنگستان اعاده کردند، چگونه که در خدمت
 انتشار مدنیت و ادبیات و فراهم آوردن اسباب
 ترقیات جمعیت بشر مقامی مبع حاصل نمودند، هماطور
 هم نفوذ سیاسی و قوه لشکری خود را بقدر لایق
 دوباره تریه و تدارک کردند، شان و شرف و ده را
 بزور و بازوی سی و عمل بر کردند بجای خود
 گذاشته و اکنون شب و روز در کین فرستند
 که آن دواایالت ممتاز را هم از دست خصم بگیرند،
 قدری هم از خودمان بگوئیم ازین استطراد يك
 مثال واستشهای وی منظور بوده اگرچه شرم میکنم
 خجالت میکنم، زیرا که بهیچ وجه جهت مشابهت
 نه مییم، شایسته مقایسه نمی‌دام، ولی دور از جناب
 بقول بعضی در ممالک غرب مارا فرانسه شرقی ها
 میدانند راست با دروغ کاری بآن نداریم، مادامیکه
 از حیث اسم و رسم در قطار ملل عالم داخل هستیم
 و قسمی از خریطه جهان را متصرفیم خوبست به
 بینیم از آن توسری‌ها و پشت گردنی‌ها که همسایگان
 زیر دست با زده‌اند آیا درس عبرت گرفته ایم نه
 یا؟ وقعه اسکندر، بلیه عرب، وحشیگریهای موعول،
 هجوم افغان بالنسبه با قدری دورند، اما حنگ آخرین
 روس و قضیه هرات خیلی نزدیک است، تأثیری که
 این کتک‌های واپس در وجود ما کرده کدامست،
 چه عبرتی گرفتیم، چه نتیجه برداشتیم، با کمال تأسف
 باید گفت بعضی آسکه مقننه شویم و در صدد
 استرداد حقوق منسوبه خود بر آئیم همه را جزو
 تأثیرات طبیعی دانسته قارغ نشستیم، گویا که ما را
 در آن مملکت ما حق حاکمیت نوده و خاک آنولوبات
 با خون فرزندان ایران نیاعشته، علما و دانشمندان
 همه را حل سضا و قدر کردند فضلا و ادبا بجای
 سرود های ملی و خطابه های مهیج بانظایر قصیده
 های قآبی و بهجویات یغما تسلیم خاطر و تشبیط
 دماغ نمودند، دولت بحقیقت آزمائش هم بانهایت
 عیسی تنظیم قوه نظام و رعایت مقتضیات وقت را
 ژاند شمرده گرم سخاوت و خوشگذرانی شد، قونی

را که چهارده سال با يك همسایه جفاکار پنجه نرم
 میکرد و کشتی میکرد، قدرتی را که خدمت سال
 هرات را محاصره و در آنروزگار صد هزار نفر
 سوار و سرباز میتوانست لزنقطه بنقطه دیگر فرستند
 چنان از کار انداخت که امروز چهارده ساعت هم
 یاری مقابله با خصم ندارد، و برای فرستادن يك
 قوه مختصر نظامی باید هفت ماه این در و آن در
 رفت و ماقبت هم موفق نشد

اما ملت یعنی آن جمیتی که اشخاص موصوف
 فوق از افراد آن محسوب است، آن انبوه خلق
 که مسؤلیت تمام تقصیر ها بگردن کلفت او است،
 آن گروه ناس که نیک و بد تاریخ ماضی سعادت
 و شقاوت خال و استقبال بعهده لیاقت او تفویض
 شده و نام گرامیش را ملت ایران میگویند مانند
 تماشگر پیشتر نشست و نگاه کرد، گاهی تخت رواز
 حاجی میرزا حسن را مدوش کشید، روزی بدرخانه
 و دنبال امرا و حکام دوید، ابدأ چشم خویش ر
 نماید اطراف و جوانب خود را ندید و نیاید

سهل است دور خود دیواری کشید از سه
 سکندر عظیم تر و پشت این دیوار مشوم قطع يك
 خط باریکی گذاشت که از خانه دیوان تا خانگا
 گدم نمایان جو فروش سیر و هروله کند

مشغول نگارش این کلمات بودم که یکی از یاران
 وارد و بمضمون مقاله مطلع شد، نظر بطبیعی که ها
 دارند و متوقع تصدیق گفته خود میباشند، شد،
 هم با جمیع حواس از آثار جهره و چشم رفیق
 منتظر تصدیق بودم، پس از اندکی تفکر ناگاه سر
 بر آورد و گفت آنچه نوشته و اعتراض کرده بچ
 است، الا آنکه مسؤلیت ملت را در دوره استبداد
 چگونه میتوان قبول کرد، ملت وقتی مشغول میشود
 که در امورات عمومی دخالت کند، و اول دخالت
 هم از آغاز اعلان قانون اساسی است، گفتم آری
 نظیر همین گفتگو روزی در محضر دانشمندی صورت
 جریان یافت، دانشمند مذکور فرمود ملت هیچوقت
 گریبان خود را از دست مواخذه و مسؤلیت نمی‌تواند
 بدهاند، زبان تنقیه تاریخ پیوسته بحجاب ملت دراز
 است، در محاکمه تاریخی اشخاص قابل ملاحظه و
 اعتنا نیستند، از دوام و بقای استبداد هم باید ملت
 مواخذه شود، معدود هزار نفر "انظر نظیر" و ستم بیاید

فرد در هیچ حکمت پسندیده و مقبول نیست، همچنین
 جمیع مرکب از سی پرور اگر بگوید در دست
 سیصد نفر اسیرم، البته عذرش پذیرفته نخواهد بود
 و ذمتی بری نخواهد شد، حاکمینی بلند مرتبت
 میگوید، هر ملتی مستحق این حکومت است که
 دارد اگر خوی ملت بستم و بیداد است حکومت
 استبداد خواهد داشت، ذاکر بعدل و داد مایل
 است محققاً حکومت خود را مشروطه خواهد کرد
 دیگری می فرماید میان افراد حکومت فرق و تفاوت
 مگذارید، کان مکنید که دولت عبر از شا و شا غیر
 از دولتید، دولت روح و معنویت شا است،
 اجزای موزون و کامل یک کل جامع را تشکیل
 میدهد، هر فردی از افراد هر گاه اعمال خارجی
 خود را تصحیح کند و موافق با عقل و منطق
 اجراء نماید هیچ عیب و علق باقی نخواهد ماند،
 مکارم اخلاقی و فضائل انسانی است که افراد
 اهالی حد خویش بشناسند، وظیفه ملیت خود را
 بجا بیاورند، وطن را محصور کنند، هموطنان را
 مسعود نمایند، پس معلوم شد که تقصیر ملت قابل
 عفو و اعراض نیست، و گناه تمام بدیها بگردن او
 باقیست،
 از مقصود بکنار نیفتیم، غرض اصلی این بود
 که از محیط فکر ما ایرانیان یک فضیلتی که اساس
 تمام فضایل است خارج مانده آنفضیلت بزرگ،
 عبرت گرفتن از ماضی و تاریخ گذشته است، ملت
 همین که بتاریخ و سرگذشت خود ناظر شد و عبرت
 گرفت دشمن خویش را میشناسد، رفتار و کردار خصم را
 در تحت ترصد میدارد، باولاد و احفاد خود از
 هنگام خطام و گاه زبان گشودن نام و نشان دشمن را
 تلقین میکند، و چنانچه باید و شاید او را میشناسد، حسن
 نفرت و لزوم تدارک مدافعه بدخواه را در مغز و
 دماغ نوابوکاش وطن جای میدهد، ما هیچیک را
 ندانستیم و بجا نیاوردیم، تا کار بدین جا کشید و
 بیرون روس در نقاط مهمه مملکت ما مرکوز شد،
 حالا بحساب میخواهیم اظهار نفرت کنیم، گاهی بخینال
 تحریم امتعه او میساقیم، گاهی به فروختن آذوقه
 تهدید مینماییم، این تدبیرات خفک بدو پول نمی آورد،
 و برای از شدت وی نمی آید، به بناید در خصوص

جمهوری فرانسه بیرون رفت (میو نامیانا) به
 همسفریان خویش چه وصیت میکند، میگوید « ضیاع
 آن دو ایالت را باید همیشه یاد کرد، و نباید با
 حرف آن مشغول شد، بر گفتن و هیچ نکردن
 سودی نخواهد نمود، بد زبانی و خشونت طبع بر
 فضیلت ملت چیزی نخواهد افزود، باید دلمان را
 بست و دست را کشود، باید خست و تنبلی را کنار
 گذاشت، به اعانه و یا اقراض استقلال مملکت را
 حفظ نمود، نگاهداری وطن، استرداد حقوق،
 بیرون کردن سرباز روس، بسته بکار کردن و
 مقدار همت ما است (علی اصفهانی)

مکتوب از بیداد

(نجمه دوره تاریخ)

(یا الولد سرایه)

در وقتی که ملت ایرانیه سر تا پا جوش و خروش
 بودند در همراهی بدولت اهم باطه و استقراض، جریده
 شریفة ایران نو و مجلس سکه من باب متناح السلطه
 جزال قونسل هندوستان که وکلای محترم بر حسب
 نگارشات روزنامه مقدس توصیح خواسته بودند توام
 با روزنامه حبل المتین رسید، و برده از روی
 کار برداشت، نوری مرا بخاطر آمد دوره صدارت
 مرحوم حاجی میرزا علیخان امین الدوله و تشکیل
 انجمن معارف و ریاست مرحوم مفتاح الملك پدر
 مفتاح السلطه و بلند شدن فریاد ارباب جراثید فارسی
 در حین و میل وجوه اطامه سکه تا صد هزار
 تومان ذکر میکردند، تا کار بجائی کشید که مفتاح الملك
 چاره را منحصر در اشاعة اخباری بام مفتاح العلوم
 داد، و مدافعه خویش بر ساخت، آنچه مدافعه کرد
 برده از روی کار بیشتر مرتفع گردید، تا اینکه
 اوراق آن روزنامه از عرق انفصال خیسید و بوسیده
 واقع چه قدر خوب گفته اند

(اگر پدر نتواند پسر تمام کند)

آری الولد سرایه، تاریخ دوره خود را تجدید
 میکند آن حین و مبدلها گذشت، این هم گذشته و
 خواهد گذشت، چنانچه در دوره پدر سر ملت فلك
 زده بی کلام ماند درین دوره پسر هم کان میکنیم نتیجه
 برای ملت حاصل آید، فرقیکه دارد این است که
 آن دوره استبداد بود این دوره مشروطیت، آن

میشود. آن دوره ملت دارای مرکز حقوق یعنی پارلمان و حافظ حقوق یعنی وکلا نبودند این دوره هستند. آن دوره مملکت وزرای مسئول نداشت این دوره دارد. ولی بدبختانه چون تمام اینها تغییرات لفظی است، نتیجه هر دو یکی ظاهر میگردد یعنی همان حیف و میل همان خورد و برد

باید است مفتاح السلطه دو طلب خدمت بسیار بزرگی نزد محمد علی شده و مأموریت هندوستان را حاصل نمود. ولی اقبال ملت را تأیید نمود. آمر و مأمور بمرام خویش نرسیدند. مفتاح السلطه در خدمت بانگلیسان بزرگترین دشمنی را با تاج و تخت کیان و وطن عزیز خویش نموده. این است که در بلوچک در حق وی نوشته شده «خدمتی که قیمت ندارد در حق دولت انگلیس نموده» آن خدمت عبارت ازین است که ولینعمت خود یعنی جا نشین کیان را وادار ساخت که از سفارت انگلیس معذرت بخواهد و شاهنشاهی ایران را تا ابد لنگه دار سازد. کسانیکه واقف بمواقف بیالدولی اند میدانند که این نکته تا چه اندازه از مقام شاهنشاهی ایران کاسته. و تاج کیارا نزد سلاطین کثفت ساخت. چنانچه تاج و تخت ایران تا کنون چنین ذلتی بخود ندیده بود. لطفاً ایجاب است که در ازای این خدمت بانصد تومان هم از محمد علی انعام گرفت. و تا وقتی که محمد علی را از تخت بزیر نیاورده بودند اولین دوست استبداد بود. چنانچه در ورود حضرتین سردار اسعد و معتد حقان در بهی از رپورتهایکه بتوسط سعدالدوله به محمد علی داد کشف این معما را تواند نمود. اینها که گفتیم تمام جمله معترضه بود. مطلب اصلی این است که معاون وزارت خارجه با کدام رو باین جسارت دفاع از مفتاح السلطه نموده خواسته امر را بر مجلس مشتبه نماید. امروز که دولت میخواهد اعتبار و در سنکاری خویش را نزد ملت ثابت کند و حد کرور استقراض داخلی حاصل نماید. یک مأمور دولت چنین حیف و میل عظیم نموده و معاون یک وزارت خانه مجلس مقدس چنین اشتباه کاری نماید. برای دولت نزد ملت چه اعتبار باقی تواند ماند

لذا با یکدیگر نضرع بحضور حافظین حقوق مل یعنی وکلای مجلس مقدس عرضه میدارم که اگر خیر

ملت حتی خود را بر طبق اخلاص نهاده دونگرانی شا بزرگواران بدولت بسپارد. درین موضوع ترك ملاحظه فرموده و سخت ایستاده تحقیق نمایند و نگذارند سیزده هزار تومان ملت را درین دست، تنگی یکنفر بشارتائی به برد. برای جلب توجه آن ذوات فرمایش حضرت مستطاب ظهیر الاسلام آقای آقا شیخ حسن سلمه الله را مینویسم «چندو طلب کتاب و اثاث الیهت بفروشد تا سیزده هزار تومان جمع شود و یکنفر مفتاح السلطه او را به بلعد و هل من مزید هم بگوید. ای کاش حیف و میل مفتاح السلطه در مجلس مذاکره نمی شد. حالا که مردم دیدند که یکنفر معاون وزارت باین جسارت اشتباه کاری نموده و باین سهولت وکلا هم ساکت شدند نتیجه این شده که مردم تصور می نمایند که قدرت حیط حقوق ملت در وکلا نیست. بنده عرض میکنم حالا که کار باین جا کشیده و این مسئله در مجلس موضوع بحث شده باید نتیجه آن هم بر طالبان آشکار گردد. ورنه بر اعتبار دولت لکه وارد خواهد آمد. باید وکلا تحقیق نمایند که اگر مفتاح السلطه دو سال مواجب گرفته و بمحل مأموریت خود زرفته و جنرال قوسلی او رسمی شده اقل مواجب گرفته را از او باز گیرند تا عبرت سایر مأمورین گردد (اقل الطلاب محمد تقی طهران)

حبل المتین

بسیار فرق باشد از اندیشه تا عمل. همین قسم که بگفتن شکر دهان شیرین نمیشود بلفظ مشروطه نیز کارها را تحت انتظام نتوان آورده خصوصاً با همان کار کنایه عمری بخود سری گذارنده هنوز معنی وطنیه شناسی و خدمت را ندانسته و نمیدانند مسئولیت میوه کدام درخت است. امروز توقع داشتن از مأمورین که آنچه بغیر حق گرفته باز دهند توقی است غیر معقول. بلکه باید متوقع بود که در آئینه حقوق ملت و دولت را ضایع نمایند. هرگاه خزانیکه محمد علی تلف کرد و وجوهی را که امیر بهادر و سعدالدوله در ایام استبداد برده میتوان پس گرفت. این سیزده هزار تومانی هم که مفتاح السلطه از حقوق ملت ضایع نموده میتواند توقع وصول شدن داشته فرق این است که نصف این مبلغ را مفتاح السلطه

عجب بر همه این است که گویا وزارت خارجه تابع بر افراط آن سیزده هزار تومان نیستند، و چنانچه روزنامه شریفه ایرانش نو نوشته در مجلس فرموده اند که وزارت خارجه را کمال اعتماد عنایت سلطه هست و عنقریب بمأموریت خود یعنی جنرال قونسلگری هندوستان خواهند رفت، و از وقتی که این فرمایش را در مجلس مقدس فرموده اند تا کنون سه ماه میگذرد، گویا منتظر نوروز بودید که مواجب سال سوم را هم گرفته در اوایل سال چهارم که موعد اخذ مواجب است وارد هند شده و رخصت حاصل نموده تشریف به برده هرگاه غرض این وقرینه هم دال بر همین است صرفه درین خواهد بود که زحمت مسافرت بایشان نداده هاججا مواجب را بایشان بدهند، نیول در داخله موقوف شده ولی نیول مأمورین ما در خارجه موقوف نشده است

چرا حال خواستش و استدعای ما از مجلس مقدس چند امر است، اول آنکه برای مأمورین خارجه يك مدت میرشود، دوم تا روزیکه وارد بمحل مأموریت خود میشوند مواجب بآنها داده نشود، سوم تا رسیدن مأمور جدید و چارج دادن باو از محل مأموریت خود حرکت بنمایند، و از ساعتی هم که حرکت میکنند مواجب مأموریت نیابند نهایت این است که خرج راه مأمورین را از روی يك مقیاس صحیح معین فرمایند

◀ وزارت خارجه ملاحظه نماید ▶

امروز وقتیکه بصفحه شطرنجی مناسبات سیاست اروپا ملاحظه شود مهمترین امور سیاسی، مسئله بوتیک ایرانش و روس که شرح آن موجب تصدیق و برنامه سیاسیون اهمیت این مطلب اظهر من الشمس است، و تمام اقدامات که دولت روس نسبت بداخله ایران مینماید بر حسب تصویب و تعلیمات فرمانفرمای قفقازیه میباشد، بلکه از مسلمات اولیه است که بدون تجویز فرمانفرمای قفقازیه مطلقاً دولت روس راجع بایران اقدامی نه نموده و نینماید، چنانچه دولت انگلیس بدون تصویب فرمانفرمای هندوستان اقدامی بداخله ایران نینماید، در اینصورت جنرال قونسلگری که از طرف دولت ایران برای قلیس و هندوستان معین میکنند باید از اشخاص محرب و غیره در این سلسله و این برکت با اطلاع باشند تا

بتوانند مطالب اتفاقیه داخله ایران را بحسن تدبیر و تمهید فرمانفرمایان قفقازیه و هندوستان بيك طور دوستی مشکلات مسائل را تسهیل نمایند که بوجه احسن در چنین مواقع امورات پلتیکی بین دو هیایه و ایران صورت اختتام پذیرد، چنانچه مأمورین سابق قلیس همین رویه را پیش براد داشته و نتایج حسنه از برای دولت و ملت خود حاصل میکردند، افسوس که مطلقاً وزارت خارجه ایران ملاحظه رعایت این دو نقطه مهمه را نه نموده و نینماید، و اگر هم بخواهد ملاحظه کند گویا ملاحظات بعضی از اعضاء مانع بر اجراء این منظورات است و اینطلب بصراحت مشهود و مبرهن میباشد و بر تمام اعالی و ادای ایران واضح است، جنرال قونسل هندوستان که حاش از محاربات مجلس معلوم — جنرال قونسل قلیس سردار هایون مبلی داد و مأمور قلیس شد سردار هایون ابدأ در خط سیاست نبوده و از اعمال سابقه جنرال قونسلگری او در قلیس که چند ماه زاید شد و پیوسته از کثرت باو و لمب که گویا منظور از تحصیل این مأموریت بود تکرار شکایت موجب تنبیر او گردید، چنانچه فعلاً دو نفر از اجزاء جنرال قونسلگری مشغول و مشار الیه مشغول عیش و راحتی و خوشگذرانی است.

◀ مکتوب از فوجا ▶

(آستانه مقدسه)

(قابل توجه وزارت اوقاف)

آستانه مقدسه یعنی قبةالاسلام و مآمن مامسلمانان با اینکه میبایستی خدنگاران و صاحبان مناصب آن تمام مردمان متقی و برهیز کار و متدین و محترم از منیبات باشند، بعکس اعتبار در نهایت تأسف باستانی چند نفر همه مردمان کلاه بردار و چیلواچی و و و که قلم از نوشتن آن عار دارد بوده هستند که هر کدام بعنوانی قلب مینماید، یکی بعنوان شمع دزدی، دیگری بعنوان ضبط مذورات، جمعی بعنوان آن اخذ موقوفات، مانی دیگر بعنوان وظیفه گیری، اموال حضرت را در نهایت بیشرمی و بیشرقی برده و میخورند، و اغلب از این ثروت را که سالی چندین هزار تومان است واصل بصندوق خارجه مینمایند، بالاخره غالب صرف تمیشات و مهنیسات شبهه و می شود و نه کمی که جلوگیری از اعمال

ایشان نماید و نه خودشان شرم از خدا و حضرت
 نام الاثمه (ع) دارند ، اعجب اینکه تمام املاک
 موقوفه را بعنوان وظیفه و تیول تصاحب نموده اند
 مصحح تو اینکه با همه این تمول و ثروت حضرت
 رضا (ع) را چندین هزار تومان قرض است ، و
 محل ندارد ، و این نکته بدیهی است که از چندین
 سال قبل از ولایات و قصبات و ممالک خارجه و داخله
 مبالغی اشیاء نفیسه که بالغ و چندین کرور باشد و
 اساسه های عتیقه داخل خزانه حضرت شده ، و حال
 جز اسی از آنها چیزی دیگر باقی نیست ، با
 ایسکه اگر گراف و اغراق نباشد با آن اموال
 میشد چندین راه آهن از شمال محبوب که نقطه
 عمده است و سایر نقاط ایران دایر نماید ، و منافع
 آن را باز در خزینه حضرت جمع نموده و بسایر
 درد های مملکت مصروف فارزد ، که يك مشت ملت
 اصیل و نجیب و متدین دست خوش و مرعوب
 احاطه نکرده ،

الله الله نقشه این شرب الیهودی را که
 کشیده که هیچکس نمیتواند بر هم زند ، آه آه
 این چه بازی است که انتهای ندارد ، سابقاً مکتوبی
 که حاوی اعمال و افعال و حرکات دمیمة اهالی آستانه
 بود از مشهد نوشته بودید و در یکی از نمرات نامه
 مقدسه درج فرموده بودید بحکم دیات و اسلامیت
 سیده هم مجبورم بایسکه از اطلاعات خودم در این
 باب تحریر نموده و باداره مبارکه ابعاد بایم ، تا مگر
 چند نفر از انهای اصلاح خواه مارا قرع سمع نموده
 و مجبور باصلاح امور آستانه بنماید .

هر بخرد و بیفرضی که این سطور را بخواند ،
 خواهد دریافت که این عناوین ناشی از هوا وهوس
 بیست ، و نوشتن ایسکوه مطالب داخل در تبیضات و
 قریح هم نمی باشد ، بحمدالله اعراض شخصی هم محرک
 نمی تواند به شود که قلمی بردارم و و طب و یابس
 بهم بیافم بامید ایسکه مرا دربان باشی یا صاحب
 اختیار بنماید

خدمت کشیک خانه آستانه مقدسه
 عده خدمت و دربان کشیک و سرکشیکان مجموعاً
 بالغ و ۷۰۰ نفر است که همه شان از طرف آستانه
 مقدسه مویزند ، و اقل خدمتشان این است که باید

کفالت شرعیه و عرفیه بوده باشد ، ولی افسوس که
 دستور العمل طهارات شرعیه با مبدل بکفالت عرفیه
 شده همین قدر بدانید که برای شخص با حسن توقیف
 در محن مقدس بسیار اشکال دارد ، نظر بخدمت مشاهده
 به سئله گان زبان نفیس و مبروصین و سایر مجزیه و
 مساکین ناچار است که هرچه زود تر از محن مطهر
 بیرون برود

مدرسه آستانه

این مدرسه از چندین سال قبل مفتوح است
 و معلم آن از معلمینی است که علوم اولین و آخرین
 را دارا هستند ، تا بحال ایسکه مبالغی از ثروت
 حضرت خرج و صرف این مدرسه شده متعلمین
 این مدرسه نمی توانند که عبارات بسیار سهل و ساده
 را نوشته و بخوانند ، افسوس از صرف اوقات
 گرانبهای ۲۰ نفر اطفال محصوم سادات چنانکه
 خود بنده اطفال را امتحان نموده ام تمام شایسته
 مبتدی هستند و باید تحصیلشان مجدداً شروع بشود
 مدر المالك متولی باشی بتسلزکی اصلاحی در امور
 تنظیمه این مدرسه نموده و امید چنان است که
 بطور خوبی دایر بشود

مریضخانه - یا دار الشفا آستانه

اداره مریضخانه نیز که سالی از بابت نقد و
 جنس تقریباً ۱۵ هزار تومان موقوفه دارد و مقرراً
 و باید صرف پذیرائی مرضای اسلام و پیوسیده گان
 و غرباء و ایتام بشود ، بکس مقصود واقف دولت
 زیاد تر آن خرج تبیضات شخصی شده و میشود
 غرباء و ابن السبیل که ناخوش میشوند بواسطه سوء
 رفتار اجزاء و اعضاء این مریضخانه بآنجا نرفته و
 بمریض خانه روس و انگلیس میروند و در آنجا
 مصالحه میشوند ، معلوم است همین فقره چه پلنیک
 شعبه در بر دارد

کتابخانه آستانه

این اداره که از اول تأسیس آن مانند خزانه
 آستانه مبالغی از کتب عتیقه و جدیده بخطوط خوش
 بآنجا رسیده از بی مبالائی اجزای آستانه و بحکم آنکا
 دزد بازار آشفته میخواهد تمام را بعنوان امانت
 برده و تصاحب نموده اند الحال تقریباً از ۲۰ هزار
 جلد کتب کتابخانه اگر هزار جلد داشته باشیم ،